



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

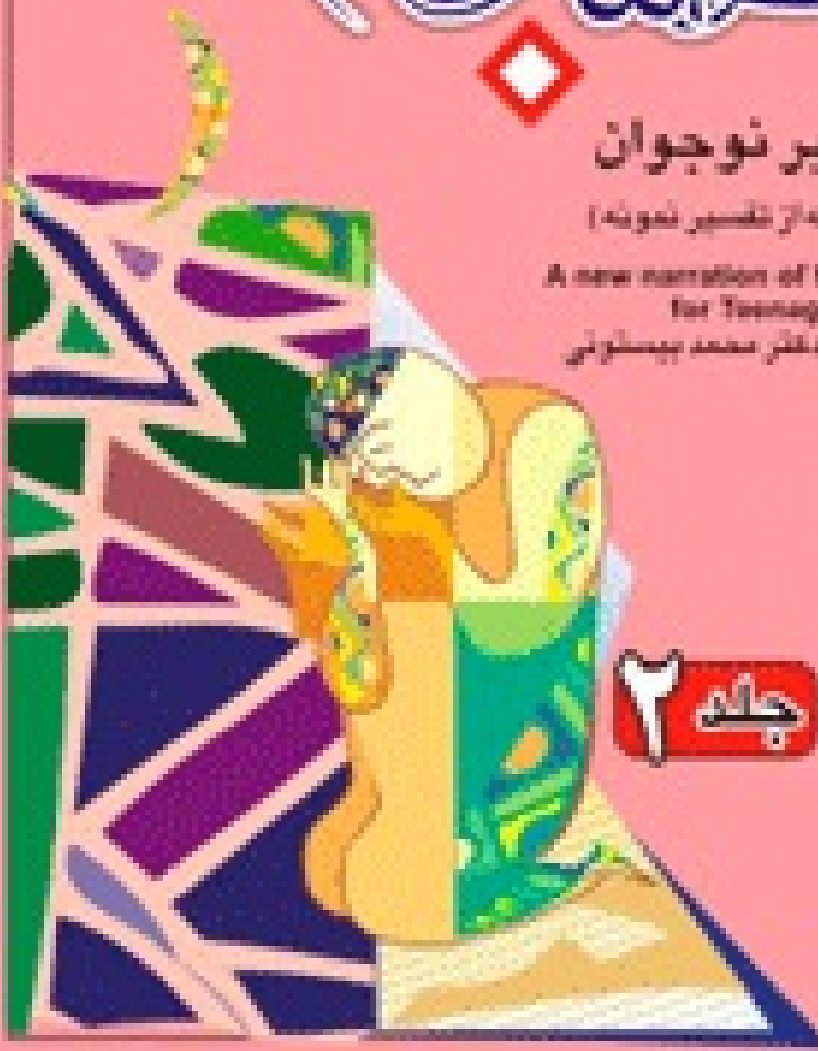
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تفسیر نوجوان

(برگرفته از تفسیر نمونه)

A new narration of holy Quran
for Teenager

پہ اہتمام: ایفٹر محمد ہوسٹوئی



جلد ۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر نوجوان

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	تفسیر نوجوان: برگرفته از تفسیر نمونه جلد ۲
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	تقدیم
۱۳	متن تأییدیه مرجع عالیقدر «حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی»
۱۵	مقدمه
۱۸	سوره بقره
۱۸	امت وسط
۲۰	اسرار تغییر قبله
۲۳	امت اسلامی، یک امت معتدل و میانه رو است
۲۵	همه جا رو به سوی کعبه کنید
۲۸	معنی «شَطْرُ»
۲۹	کعبه، مرکز یک دایره بزرگ
۳۳	ذکر خدا چیست؟
۳۴	صبر و انواع آن
۳۸	جلوه های ذات پاک خدا در پهنه هستی
۴۵	شأن نزول
۴۶	گام های شیطان
۴۶	اصل حَلَّتِ
۴۷	انحرافات تدریجی
۴۹	چگونگی وسوسه شیطان
۵۲	طبیات و خباثت
۵۶	فلسفه تحریم گوشت های حرام

۶۱	روزه سرچشمه تقوا
۶۸	امتیاز ماه مبارک رمضان
۷۰	قاعده «لا حَرَجَ»
۷۱	بیلاحی به نام دعا و نیایش
۷۲	فلسفه دعا و نیایش
۷۷	شأن نزول
۷۸	فداکاری بزرگ علی در شب تاریخی هجرت
۸۱	اسلام، آیین صلح و صفا است
۸۴	تبدیل نعمت به عذاب
۸۶	از چه چیز بایدانفاق کرد؟
۸۹	تا می توانید سوگند نخورید
۹۲	اهمیت نماز، مخصوصاً نماز «ظهر»
۹۴	فهرست مطالب
۹۹	درباره مرکز

سرشناسه: بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: تفسیر نوجوان: برگرفته از تفسیر نمونه = A New Narration of holy Qur'an for teenager / به اهتمام محمد بیستونی.

مشخصات نشر: قم: بیان جوان، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۳۰ ج. ۱۰×۱۴ اس. م.

شابک: دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۴۰-۲۲-۲؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۱-۹۶۴-۸۳۹۹-۹۲-۱؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۲-۹۶۴-۸۳۹۹-۹۳-X؛
۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۳-۹۶۴-۸۳۹۹-۹۴-۸؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۴-۹۶۴-۸۳۹۹-۹۵-۶؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۵-۹۶۴-۸۳۹۹-۹۶-۴؛
۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۶-۹۶۴-۸۳۹۹-۹۷-۲؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۷-۹۶۴-۸۳۹۹-۹۸-۰؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۸-۹۶۴-۸۳۹۹-۹۹-۹؛
۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۹-۹۶۴-۵۶۴۰-۰۰-۰؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۰-۹۶۴-۵۶۴۰-۰۱-۷؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۱-۹۶۴-۵۶۴۰-۰۲-۴؛
۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۲-۹۶۴-۵۶۴۰-۰۳-۱؛ ۱۳-۹۶۴-۵۶۴۰-۰۴-۸؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۴-۹۶۴-۵۶۴۰-۰۵-۵؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۵-۹۶۴-۵۶۴۰-۰۶-۲؛
۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۶-۹۶۴-۵۶۴۰-۰۷-۹؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۷-۹۶۴-۵۶۴۰-۰۸-۶؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۸-۹۶۴-۵۶۴۰-۰۹-۳؛
۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۱۹-۹۶۴-۵۶۴۰-۱۰-۹؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۰-۹۶۴-۵۶۴۰-۱۱-۶؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۱-۹۶۴-۵۶۴۰-۱۲-۳؛
۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۲-۹۶۴-۵۶۴۰-۱۳-۰؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۳-۹۶۴-۵۶۴۰-۱۴-۷؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۴-۹۶۴-۵۶۴۰-۱۵-۴؛
۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۵-۹۶۴-۵۶۴۰-۱۶-۱؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۶-۹۶۴-۵۶۴۰-۱۷-۸؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۷-۹۶۴-۵۶۴۰-۱۸-۵؛
۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۸-۹۶۴-۵۶۴۰-۱۹-۲؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۲۹-۹۶۴-۵۶۴۰-۲۰-۸؛ ۲۰۰۰۰ ریال: ج. ۳۰-۹۶۴-۵۶۴۰-۲۱-۵

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: ج. ۱ - ۳۰ (چاپ اول: ۱۳۸۶).

یادداشت: ج. ۱ - ۳۰ (چاپ دوم: ۱۳۹۱) (فپا).

یادداشت: کتاب حاضر برگرفته از کتاب "تفسیر نمونه" تألیف "مکارم شیرازی" است.

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: تفسیر نمونه.

موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ -- ادبیات کودکان و نوجوانان

شناسه افزوده : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ - . تفسیر نمونه

رده بندی کنگره : BP۹۸/ب۹۵ت۷۴ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : [ج] ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۲۷۷۵۶

ص: ۱

اشاره

به حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام ، او در نوجوانی وقتی ۱۳ ساله بود در حالی که همه مردم ماه و خورشید و ستارگان و... راخدای خود قرار داده بودند گفت : «من به جای چیزهایی که غروب می کنند و ناپایدارند ، خدای یکتا و ارزش های ماندگار را انتخاب می کنم» .

X به حضرت اسماعیل فرزند ۱۲ ساله حضرت ابراهیم خلیل الله علیهم السلام ، او همان کسی است که در نوجوانی برای اجرای دستور خدا در ارتباط با قربانی شدن خود توسط پدر، اشتیاق داشت و مطیع فرمان خدای یکتا بود .

به حضرت یوسف علیه السلام که در نوجوانی آنگاه که ۱۲ سال داشت، برادرانش او را به بهانه تفریح و سرگرمی در چاه انداختند و در حالی که خطر مرگ او را

تهدید می کرد، با «توکل به خدا و رفتار شایسته» به اوج قدرت و خوشبختی رسید .

به حضرت علی اکبر نوجوان ۱۸ ساله حضرت امام حسین علیهم السلام ، آن عزیزی که وقتی به وی خبر رسید به زودی در کربلا شهید خواهد شد، فرمود: «چون در راه حق مبارزه می کنیم هیچ ترسی از مرگ ندارم» .

به حضرت قاسم نوجوان ۱۳ ساله امام حسن علیهم السلام که در کربلا- از او پرسیده شد مرگ را چگونه می بینی، فرمود: «مرگ در راه خدا برای من از غسل شیرین تر است» .

و تقدیم به شهید حسین «فهمیده» آن نوجوان ۱۳ ساله که در جریان جنگ تحمیلی صدام علیه

ایران، سران کفر و استکبار و ابزار جنگی آنها را شرمنده خود ساخت .

و تقدیم به همه نوجوانان «فهمیده» در سراسر جهان .

متن تأییدیه مرجع عالیقدر «حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی»

درباره تفسیر نوجوان

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن کریم بهترین هدیه خداوند منان به همه انسان ها در طول قرون و اعصار می باشد. بدون شک استفاده صحیح از این کتاب آسمانی و بکارگیری محتوای آن در زندگی، مستلزم تفکیک و موضوع بندی آیات، متناسب با مخاطبین مختلف خصوصا گروه های سنی کودک، نوجوان و جوان می باشد زیرا سراسر این کتاب به استناد آیات ۴۴ سوره فصلت و ۸۲ اسراء و ۵۷ یونس برای شفا و درمان بیماری های جسمی و روحی انسان ها نازل شده و مانند

داروخانه ای است که گرچه همه داروهای آن برای شفاست ولی طبعا «هر دارویی برای بیمار خاصی شفابخش تر است».

ص: ۶

در همین راستا جناب آقای دکتر محمد بیستونی مسئول محترم مؤسسه قرآنی تفسیر جوان که اینجانب مدت ۱۰ سال در جریان فعالیتهای خوب ایشان در عرصه پژوهش های موضوعی قرآنی می باشم و قبلاً تفسیر نمونه را در یک مجموعه تحت عنوان «تفسیر جوان» خلاصه، ساده سازی و منتشر نموده است، اخیراً مطالب تفسیر نمونه را در یک مجموعه تحت عنوان «تفسیر نوجوان» با تکیه بر آیات متناسب با گروه سنی یادشده، گزینش و ساده سازی نموده است که در نوع خود بسیار جالب می باشد.

امیدوارم نوجوانان عزیز و خانواده محترم آنها از این سفره معنوی و پربرکت که خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت

آنها را به همراه دارد، حداکثر استفاده را بنمایند.

ناصر مکارم شیرازی

۱/۱۲/۸۵

ص: ۷

نوجوانی دوره خاصی از زندگی است که در جامعه ما در مقایسه با دوره کودکی و جوانی، کمتر به آن توجه می شود.

استقلال طلبی، پذیرش مسئولیت های اجتماعی، کنجکاوی هدفمند، اصرار بر کشف فوری مجهولات و طرح سؤالات پی در پی از ویژگی های شاخص این گروه سنی است.

برای پاسخگویی به این نیازها، مؤسسه قرآنی تفسیر جوان برای نخستین بار در تاریخ اسلام «تفسیر نوجوان» برگرفته از تفسیر نمونه تألیف حضرت آیه الله مکارم شیرازی را برای این گروه سنی منتشر نموده است. این تفسیر براساس ذائقه و سلیقه

نوجوانان عزیز و با انتخاب ۲۱۷۷ آیه از مجموع ۶۲۳۶

(۱۰) مقدمه

آیه قرآن کریم تنظیم شده و دارای ویژگی های زیر است:

از کل قرآن کریم فقط آیاتی انتخاب شده است که برای نوجوانان ملموس و قابل استفاده بوده و در زندگی روزمره آنها کاربردی باشد.

حجم مطالب کم و جمله بندی آنها ساده و خلاصه است .

همه آیات، روایات و کلمه های عربی اعرابگذاری شده است تا راحت خواننده یا آموزش داده شود .

قطع کتاب به اندازه کف دست انتخاب شده تا به راحتی در جیب قرار گرفته و در اوقات فراغت

ص: ۹

یا انتظار به سادگی در دسترس قرار گیرد.

صفحه آرای کتاب «شعرگونه و چشم نواز»

مقدمه (۱۱)

است و همه نیم خط ها در یک ردیف منظم شده اند تا چشم در موقع مطالعه خسته نشود.

امیدوارم نوجوانان عزیز از طریق مطالعه این تفسیر با دنیای زیبای قرآن کریم آشنا شده و پاسخ صحیح بسیاری از سؤالات خود را دریابند. بدون شک راز شادی، آرامش و خوشبختی در این دریای زیبا و متنوع نهفته است. خود را به امواج آن بسپارید تا حس تازه ای را تجربه کنید.

تهران تابستان ۱۳۸۷

دکتر محمد بیستونی

ص: ۱۰

۱۴۳ وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسِيًّا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ

همان گونه (که قبله شما ، یک قبله میانه است ،) شما را نیز امت میانه ای قرار دادیم (در حداعتدال که میان افراط و تفریط هستید) تا گواه بر مردم باشید و پیامبر هم گواه بر شما و ما آن قبله ای را که قبلاً بر آن بودی ، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند، از آن ها که به جاهلیت بازمی گردند ، مشخص شوند ، اگرچه این جز بر کسانی که خداوند آن ها را هدایت کرده ، دشوار بود (این

جزء دوم (۱۳)

را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق صحیح بوده) و خدا هرگز ایمان (نماز) شما را ضایع نمی گرداند، زیرا خداوند نسبت به مردم، رحیم و مهربان است .

چرا قبله مسلمانان، قبله میانه است؟ زیرامسیحیان تقریباً به سمت مشرق می ایستادند، به خاطر این که بیشتر ملل مسیحی در کشورهای عربی زندگی می کردند و برای ایستادن به سوی محل تولد عیسی که در بیت المقدس بود، ناچار بودند به سمت مشرق بایستند و به این ترتیب جهت مشرق، قبله آنان محسوب می شد ولی یهود که بیشتر در شامات و بابل و مانند آن، به سر می بردند، رو به سوی بیت المقدس که برای آنان تقریباً در سمت غرب بود، می ایستادند و به این ترتیب نقطه غرب، قبله آنان بود.

اما « کعبه » که نسبت به مسلمانان آن روز (مسلمانان مدینه) در سمت جنوب و میان مشرق و مغرب قرار داشت، یک خط میانه محسوب می شد.

(۱۴) سوره بقره

در حقیقت تمام این مطالب را می توان از جمله « وَ كَذَلِكَ » استفاده کرد.

به هر حال قرآن گویا می خواهد رابطه ای میان همه برنامه های اسلامی ذکر کند و آن این که؛ نه تنها قبله مسلمانان، یک قبله میانه است، که تمام برنامه هایشان، این ویژگی را دارا است.

ص: ۱۲

سپس اضافه می کند: « هدف این بود که شما گواه بر مردم باشید و پیامبر هم گواه بر شما باشد » (لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا).

تعبیر به « گواه بودن » امت اسلامی بر مردم جهان و همچنین « گواه بودن » پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مسلمانان ، ممکن است اشاره به اسوه و الگو بودن ، بوده باشد ، چرا که گواهان و شاهدان را همیشه از میان افراد نمونه انتخاب می کنند .

یعنی شما با داشتن این عقاید و تعلیمات ، امتی نمونه هستید ،

جزء دوم (۱۵)

همان طور که پیامبر در میان شما یک فرد نمونه است .

شما با عمل و برنامه خود گواهی می دهید که یک انسان می تواند هم مرد دین باشد و هم مرد دنیا ، در عین اجتماعی بودن ، جنبه های معنوی و روحانی خود را کاملاً حفظ کند ، شما با این عقاید و برنامه ها ، گواهی می دهید که دین و علم ، دنیا و آخرت ، نه تنها تضادی با هم ندارند ، بلکه یکی در خدمت دیگری است .

اسرار تغییر قبله

تغییر قبله از « بیت المقدس » به « خانه کعبه » ، برای همه سؤال انگیز بود ، آن ها که گمان می کردند هر حکمی باید ثابت باشد ، می گفتند: اگر می بایست ما به سوی کعبه نماز بخوانیم ، چرا از همان روز اول

ص: ۱۳

نگفتند؟ و اگر بیت المقدس مقدّم بود که قبله انبیاء پیشین محسوب می شد، چرا تغییر یافت؟

دشمنان نیز میدان وسیعی برای سمّ پاشی یافتند، شاید می گفتند: او در آغاز متوجّه قبله پیامبران گذشته شد، اما پس از پیروزی هایش،

(۱۶) سوره بقره

نژادپرستی بر او غلبه نمود و آن را به قبله قوم خود تبدیل کرد، یا می گفتند: او برای جلب توجّه یهود و مسیحیان، نخست بیت المقدس را پذیرفت، هنگامی که مؤثر نیفتاد، آن را تبدیل به کعبه کرد.

بدیهی است این وسوسه ها، آن هم در جامعه ای که هنوز نور علم و ایمان زوایای را روشن نساخته بود و رسوبات دوران شرک و بت پرستی هنوز در آن وجود داشت، چه نگرانی و اضطرابی ایجاد می کند.

لذا قرآن صریحا در آیه فوق می گوید: این یک آزمایش بزرگ برای مشخص شدن موضع مؤمنان و مشرکان بود.

بعید نیست یکی از علل مهمّ تغییر قبله، مسأله زیر باشد؛

از آن جا که خانه کعبه در آن زمان کانون بت های مشرکان بود،

ص: ۱۴

دستور داده شد؛ مسلمانان موقتاً به سوی بیت المقدس نماز بخوانند و به این ترتیب صفوف خود را از مشرکان جدا کنند.

جزء دوم (۱۷)

اما هنگامی که به مدینه هجرت کردند و تشکیل حکومت و ملتی دادند و صفوف آن‌ها از دیگران کاملاً مشخص شد، دیگر ادامه این وضع ضرورت نداشت، در این هنگام به سوی کعبه، قدیمی‌ترین مرکز توحید و پرسابقه‌ترین کانون انبیاء بازگشتند.

بدیهی است هم نمازخواندن به سوی بیت المقدس برای آن‌ها که خانه کعبه را سرمایه معنوی نژاد خود می‌دانستند، مشکل بود و هم بازگشت به سوی کعبه بعد از بیت المقدس، بعد از عادت کردن به قبله نخست.

مسلمانان به این وسیله در بوته آزمایش قرار گرفتند، تا آن‌چه از آثار شرک در وجودشان است، در این کوره داغ بسوزد و پیوندهای خود را از گذشته شرک آلودشان ببرند و روح تسلیم مطلق در برابر فرمان حق در وجودشان پیدا گردد.

(۱۸) سوره بقره

اصولاً همان‌گونه که گفتیم: خدا مکان و محلی ندارد، قبله، رمزی است برای وحدت صفوف و احیای خاطره‌های توحیدی

و

ص: ۱۵

تغییر آن ، هیچ چیز را دگرگون نخواهد کرد، مهمّ تسلیم بودن در برابر فرمان او و شکستن بت های تعصّب و لجاجت و خود خواهی است

اُمّت اسلامی ، یک اُمّت معتدل و میانه رو است

کلمه « وَسَط » در لغت هم به معنی حدّ متوسط در میان دو چیز آمده و هم به معنی جالب و زیبا و عالی و شریف و این هر دو ظاهراً به یک حقیقت بازمی گردد، زیرا معمولاً شرافت و زیبایی در آن است که چیزی از افراط و تفریط دور باشد و در حدّ اعتدال قرار گیرد.

چه تعبیر جالبی در این جا قرآن درباره اُمّت اسلامی کرده است ، آن ها را یک اُمّت میانه و معتدل نامیده است . معتدل از نظر عقیده که نه راه غلو را می پیمایند و نه راه تقصیر و شرک ، نه طرفدار جبرند و نه تفویض ، نه درباره صفات خدا معتقد به تشبیهند و نه تعطیل .

جزء دوّم (۱۹)

معتدل از نظر ارزش های معنوی و مادی ، نه به کلی در جهان ماده فرومی روند که معنویت به فراموشی سپرده شود و نه آن چنان در عالم معنی فرومی روند که از جهان ماده به کلی بی خبر گردند ، نه همچون گروه عظیمی از یهود جز گرایش مادی چیزی را شناسند و نه همچون راهبان مسیحی به کلی ترک دنیا گویند .

ص: ۱۶

جمود دارند که علوم دیگران را پذیرا نشوند و نه آن گونه معتدل از نظر علم و دانش، نه آن چنان بر دانسته های خود خودباخته اند که به دنبال هر صدایی برخیزند.

معتدل از نظر روابط اجتماعی، نه اطراف خود حصار می کشند که از جهانیان به کلی جدا شوند و نه اصالت و استقلال خود را از دست می دهند که همچون غرب زدگان و شرق زدگان در این ملت و آن امت ذوب شوند. معتدل از نظر شیوه های اخلاقی، از نظر عبادت، از نظر تفکر و خلاصه معتدل در تمام جهات زندگی و حیات.

یک مسلمان واقعی هرگز نمی تواند انسان یک بعدی باشد، بلکه

(۲۰) سوره بقره

انسانی است دارای ابعاد مختلف، متفکر، باایمان، دادگر، مجاهد، مبارز، شجاع، مهربان، فعال، آگاه و باگذشت.

تعبیر به حدّ وسط، تعبیری است که از یک سو مسأله شاهد و گواه بودن امت اسلامی را مشخص می سازد، زیرا کسانی که در خطّ میانه قرار دارند، می توانند تمام خطوط انحرافی در چپ و راست را ببینند.

و از سوی دیگر تعبیری است که دلیل مطلب نیز در آن نهفته است و می گوید: اگر شما گواهان خلق جهان هستید، به دلیل

همین

ص: ۱۷

اگر آن چه را در معنی لغت « وَسِيطٌ » در بالا- گفتیم ، در ملتی جمع باشد ، بدون شکّ طلایه داران حقّ هستند و شاهدان حقیقت ، چراکه برنامه های آن ها، میزان و معیاری است برای بازشناسی حقّ از باطل.

جمله « لِنَعْلَمَ » (تا بدانیم) و مانند آن که در قرآن کراراً در مورد

جزء دوّم (۲۱)

خداوند به کار رفته است ، به این معنی نیست که خداوند چیزی را نمی دانسته و سپس از آن آگاه شده است ، بلکه مراد، همان تحقّق و عیّیت پیدا کردن این واقعیت ها است .

همه جا رو به سوی کعبه کنید

۱۴۴ قَدْ نَرَيْتَ قَلْبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنْ نُؤَيِّنَكَ قَبْلَهُ تَرْضِيهَا قَوْلٌ وَجْهِكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

نگاه های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم، اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن

ص: ۱۸

خشنود باشی، باز می گردانیم، روی خود را به جانب مسجدالحرام کن و هر جا باشید، روی خود را به جانب آن بگردانید و کسانی که کتاب آسمانی به آن ها داده شده ، به خوبی می دانند این فرمان حقی است که از ناحیه

(۲۲) سوره بقره

پروردگارشان صادر شده (و در کتاب های خود خوانده اند که پیغمبر اسلام به سوی دو قبله نماز می خواند) و خداوند از اعمال آن ها (در مخفی داشتن آیات) غافل نیست .

می دانیم این تغییر قبله طبق روایات در حال نماز ظهر بود و در یک لحظه حسیّاس و چشم گیر انجام گرفت ، پیک وحی خداوند بازوان پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفته و از بیت المقدّس به سوی کعبه برگردانید و فوراً مسلمانان صفوف خود را تغییر دادند ، حتّی در روایتی می خوانیم که ؛ زن ها جای خود را به مردان و مردان ، جای خود را به زنان دادند (باید توجه داشت که بیت المقدّس تقریباً در سمت شمال بود، در حالی که کعبه درست در سمت جنوب قرار داشت) .

جالب این که تغییر قبله، یکی از نشانه های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در کتب پیشین ذکر شده بود ، چه این که آن ها خوانده بودند که او به سوی دو قبله نماز می خواند (يُصَلِّي إِلَى الْقِبْلَتَيْنِ) .

ص: ۱۹

لذا در آیه فوق بعد از این فرمان اضافه می کند : « کسانی که کتاب

جزء دَوِّم (۲۳)

آسمانی به آن ها داده شده است ، می دانند این فرمان حَقِّی است از ناحیه پروردگارشان » (وَ إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ) .

به علاوه همین امر که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تحت تأثیر عادات محیط خود قرار نگرفت و کعبه را که مرکز بت ها و مورد علاقه عموم عرب بود، در آغاز کنار گذاشت و قبله یک اقلیت محدود را به رسمیت شناخت ، خود دلیلی بر صدق دعوت او و الهی بودن برنامه هایش به شمار می رفت .

و در پایان اضافه می کند: «خداوند از اعمال آن ها غافل نیست» (وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ) .

یعنی آن ها به جای این که این تغییر قبله را به عنوان یک نشانه صدق او که در کتب پیشین آمده ، معرفی کنند ، کتمان کرده و به عکس روی آن جنجال به راه انداختند، خدا هم از اعمالشان آگاه است و هم از نیاتشان .

ص: ۲۰

معنی «شَطْر»

موضوع دیگری که در این جا قابل دقت می باشد ، این است که ؛ در آیه فوق به جای کلمه « کعبه » ، « شَطْرُ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ » ذکر شده است .

این تعبیر ممکن است به خاطر آن باشد که برای آن ها که در نقاط دور از مکه نماز می خوانند ، محاذات با خانه کعبه بسیار دشوار و غیرممکن است ، لذا به جای خانه کعبه ، « مَسْجِدُ الْحَرَامِ » که محل وسیع تری است ، ذکر شده و مخصوصاً کلمه « شَطْر » که به معنی سمت و جانب است ، انتخاب گردیده ، تا انجام این دستور اسلامی ، برای همگان در هر جا باشند ، میسر گردد ، به علاوه تکلیف صفّ های طولانی نماز جماعت که در بسیاری اوقات از طول کعبه بیشتر است ، روشن شود .

کاملاً بدیهی است که محاذات دقیق با خانه کعبه و حتی با

جزء دوّم (۲۵)

مسجد الحرام ، گرچه برای کسانی که از دور نماز می خوانند ، کار بسیار مشکلی است ، ولی ایستادن به سمت آن ، برای همه آسان است .

ص: ۲۱

اگر کسی از بیرون کره زمین به صفوف نماز گزاران مسلمان که رو به سوی کعبه نماز می خوانند ، بنگرد ، دواير متعددی را می بیند که یکی در درون دیگری قرار گرفته تا به کانون اصلی که نقطه کعبه است، می رسد و وحدت و مرکزیت آن رامشخص می سازد .

بی شک این قبله از برنامه ای که مثلاً مسیحیان دارند که همگی در هرجا باشند ، به سمت مشرق نماز می خوانند ، الهام بخش تر است . جالب این که توجه خاص مسلمانان به تعیین سمت کعبه، سبب شد که علم هیأت و جغرافیا در آغاز اسلام در میان مسلمانان به سرعت رشد کند، زیرا که محاسبه سمت قبله در نقاط مختلف روی زمین بدون آشنایی با این علوم امکان نداشت .

(۲۶) سوره بقره

فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ « در اعمال خیر و نیکی ها بر یکدیگر سبقت جوید » (فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ) .

برنامه های چهارگانه رسول الله

۱۵۱ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

همان گونه (که با تغییر قبله نعمت خود را بر شما کامل کردیم)، رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را تزکیه کند و کتاب و حکمت بیاموزد و آن چه نمی دانستید، به شما یاد دهد.

البته نعمت وجود پیامبری از نژاد عرب برای آغاز کار بود، اما سرانجام مسأله نژاد و وطن (جغرافیایی) از برنامه ها حذف شد و دستور اصلی و جاودانه اسلام که «جهان»، را وطن و «انسانیت»، را نژاد معرفی می کند، اعلام گردید.

جزء دوم (۲۷)

بعد از ذکر این نعمت، به چهار نعمت دیگر که از برکت این پیامبر، عاید مسلمین شد، اشاره می کند؛

«آیات ما را بر شما می خواند» (يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا).

«يَتْلُوا» از ماده «تلاوت» به معنی پی در پی درآوردن است، لذا هنگامی که عباراتی پی در پی (و روی نظام صحیح) خوانده شود، از آن تعبیر به تلاوت می کنند، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله، سخنان خدا را روی نظام صحیح و مناسبی پی در پی بر شما می خواند تا قلوبتان را آماده پذیرش معانی آن کند، بنابراین تلاوت منظم و حساب شده پیامبر صلی الله علیه و آله برای ایجاد آمادگی برای تعلیم و تربیت است که در

ص: ۲۳

جمله های بعد به آن اشاره می شود .

« او شما را پرورش می دهد » (وَ يُزَكِّكُمُ) .

« تَزَكِّيهِ » در اصل (چنان که « راغب » در « مفردات » گوید ،) به معنی افزودن و نمو دادن است ، یعنی او با کمک گرفتن از آیات خدا بر کمالات معنوی و مادی شما می افزاید و روحتان را نمو می دهد ،

(۲۸) سوره بقره

گل های فضیلت را بر شاخسار وجودتان آشکار می سازد و انواع صفات زشت را که در عصر جاهلیت ، جامعه شما را فراگرفته بود ، می زداید .

« و کتاب و حکمت به شما می آموزد » (وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) .

گرچه « تعلیم » به طور طبیعی مقدم بر « تربیت » است ، همان گونه که سابقاً هم اشاره کردیم ، قرآن مجید برای اثبات این حقیقت که هدف نهایی ، « تربیت » است ، غالباً آن را مقدم بر تعلیم آورده است ؛

فرق میان « کتاب » و « حکمت » ، ممکن است از این نظر باشد که کتاب ، اشاره به آیات قرآن و وحی الهی است که به صورت اعجاز بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده ، ولی حکمت ، سخنان و تعلیمات پیامبر صلی الله علیه و آله است که "سُنَّت" نام دارد .

و نیز ممکن است « کتاب » اشاره به اصل دستورات باشد و

« حکمت » ، اشاره به اسرار ، فلسفه ها ، علل و نتایج آن باشد .

« و آن چه را نمی دانستید، به شما تعلیم می دهد »

جزء دؤم (۲۹)

(وَ يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ) .

گرچه این موضوع در جمله قبل که تعلیم کتاب و حکمت است ، وجود داشته ، ولی قرآن مخصوصا آن را تفکیک می کند تا به آن ها بفهماند اگر پیامبران نبودند ، بسیاری از علوم برای همیشه از شما مخفی بود ، آن ها تنها رهبر اخلاقی و اجتماعی نبودند ، بلکه پیشوای علمی نیز بودند که بدون رهبری آن ها علوم انسانی نضج نمی گرفت.

۱۵۲ فَادْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ

پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم و شکر مرا گوئید و کفران(در برابر نعمت ها) نکنید .

بدیهی است جمله « مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم » ، اشاره به یک معنی عاطفی میان خدا و بندگان نیست ، آن گونه که در میان انسان ها است که به هم می گویند : به یاد ما باشید ، تا به یاد شما باشیم .

بلکه اشاره به یک اصل تربیتی و تکوینی است ، یعنی به یاد من باشید ، به یاد ذات پاکی که سرچشمه تمام خوبی ها و نیکی ها است و به

(۳۰) سوره بقره

این وسیله روح و جان خود را پاک و روشن سازید و آماده پذیرش

ص: ۲۵

رحمت پروردگار ، توجه شما به این ذات پاک شما را در فعالیت ها مخلص تر، مصمم تر، نیرومندتر و متحدتر می سازد .

همان گونه که منظور از « شکرگزاری و عدم کفران » ، تنها یک مسأله تشریفاتی و گفتن با زبان نیست ، بلکه منظور آن است که هر نعمتی را درست به جای خود مصرف کنید و در راه همان هدفی که برای آن آفریده شده، به کار گیرید، تا مایه فزونی رحمت و نجات خدا گردد .

ذکر خدا چیست ؟

مسلم است منظور از ذکر خدا ، تنها یادآوری به زبان نیست ، که زبان ترجمان قلب است ، هدف این است با تمام قلب و جان به ذات پاک خدا توجه داشته باشید ، همان توجهی که انسان را از گناه بازمی دارد و به اطاعت فرمان او دعوت می کند .

به همین دلیل در احادیث متعددی از پیشوایان اسلام نقل شده است که منظور از ذکر خدا ، "یادآوری عملی" است ، در حدیثی از

جزء دوم (۳۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم که به علی وصیت فرمود و از جمله وصایایش این بود :

« سه کار است که این امت توانایی انجام آن را (به طور کامل) ندارند ؛ مواسات و برابری با برادر دینی در مال و ادای حق مردم با قضاوت

ص: ۲۶

عادلانه نسبت به خود و دیگران و خدا را در هر حال یاد کردن که منظور، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ نیست، بلکه منظور، این است؛ هنگامی که کار حرامی در مقابل او قرار می‌گیرد، از خدا بترسد و آن را ترک گوید» (۱).

ولی به هر حال چه جالب است که خداوند با آن عظمت، ذکر بندگان را در کنار ذکر خود قرار می‌دهد، بندگان در آن عالم محدود و کوچکشان و خداوند بزرگ در آن عالم نامحدود و بی‌انتهایا با آن همه رحمت‌ها و برکات.

(۳۲) سوره بقره

صبر و انواع آن

۱۵۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

ای افراد باایمان، از صبر (و استقامت) و نماز (در برابر حوادث سخت زندگی) کمک بگیرید (زیرا) خداوند با صابران است.

به عکس آن چه بعضی تصور می‌کنند، «صبر» هرگز به معنی تحمل بدبختی‌ها و تن دادن به ذلت و تسلیم در برابر عوامل

ص: ۲۷

شکست نیست ، بلکه صبر و شکیبایی به معنی پایداری و استقامت در برابر هر مشکل و هر حادثه است .

لذا بسیاری از علمای اخلاق برای « صبر » سه شاخه ذکر کرده اند ؛

صبر بر اطاعت (مقاومت در برابر مشکلاتی که در راه اطاعت وجود دارد) .

صبر بر معصیت (ایستادگی در برابر انگیزه های گناه و شهوات

جزء دوم (۳۳)

سرکش و طغیان گر) .

و صبر بر مصیبت (پایداری در برابر حوادث ناگوار و عدم خودباختگی و شکست روحی و ترک جزع و فزع) .

کمتر موضوعی را در قرآن می توان یافت که مانند « صبر » تکرار و مورد تأکید قرار گرفته باشد، در قرآن مجید در حدود هفتاد مورد از «صبر»، سخن به میان آمده که بیش از ده مورد از آن به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص دارد .

تاریخ مردان بزرگ گواهی می دهد که یکی از عوامل مهم یا مهم ترین عامل پیروزی آنان ، استقامت و شکیبایی بوده است ، افرادی که از این صفت بی بهره اند ، در گرفتاری ها بسیار زود از پا درمی آیند و

ص: ۲۸

می توان گفت: نقشی را که این عامل در پیشرفت افراد و جامعه ها ایفاء می کند، نه فراهم بودن امکانات دارد و نه استعداد و هوش و مانند آن.

به همین دلیل در قرآن مجید روی این موضوع با مؤکدترین بیان

(۳۴) سوره بقره

تکیه شده، از جمله در آیه ۱۰ سوره زمر می گوید: «إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ: صابران پاداش خود را بی حساب می گیرند».

و در مورد دیگر بعد از ذکر «صبر در برابر حوادث» می خوانیم: «إِنَّ ذَلِكُمْ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ: این کار از محکم ترین کارهاست» (۱۷ / لقمان).

اصولاً ویژگی استقامت و پای مردی، این است که فضایل دیگر بدون آن ارج و بهایی نخواهد داشت که پشتوانه همه آن ها صبر است و لذا در «نهج البلاغه» در «کلمات قصار» آمده: «وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ: بر شما باد به صبر و استقامت که صبر دربرایمان، همچون سر است درمقابل تن، تن بی سر

فایده ای ندارد، همچنین ایمان بدون صبر، ناپایدار و بی نتیجه است» (۱)

جزء دوم (۳۵)

در روایات اسلامی، عالی ترین صبر را آن دانسته اند که به هنگام فراموشی آمدن وسایل عصیان و گناه، انسان مقاومت کند و از لذت گناه چشم ببوشد.

موضوع دیگری که در آیه بالا به عنوان یک تکیه گاه مهم در کنار صبر، معرفی شده، «صَلَوْه» (نماز) است، لذا در احادیث اسلامی آمده: «كَانَ عَلِيٌّ إِذَا أَهَالَهُ أَمْرٌ فَرِعَ قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ ثُمَّ تَلَى هَذِهِ الْآيَةَ " وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ... »: هنگامی که علی با مشکلی روبه رو می شد، به نماز برمی خاست و پس از نماز به دنبال حل مشکل می رفت و این آیه را تلاوت می فرمود؛ « وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ... » (۲)

از این موضوع هرگز نباید تعجب کرد، زیرا هنگامی که انسان در برابر حوادث سخت و مشکلات طاقت فرسا قرار می گیرد و نیروی خود

(۳۶) سوره بقره

را برای مقابله با آن ها ناچیز می بیند، نیاز به تکیه گاهی دارد که از هر جهت نامحدود و بی انتها باشد، نماز او را با چنین مبدئی مربوط

ص: ۳۰

۱- «نَهْجُ الْبُلَاغَةِ»، کلمات قصار، شماره ۸۲.

۲- «المیزان»، جلد ۱، صفحه ۱۵۴.

می سازد و با اتکاء بر او می تواند با روحی مطمئن و آرام، امواج سهمگین مشکلات را درهم بشکند .

بنابراین آیه فوق در حقیقت به دو اصل توصیه می کند ؛ یکی اتکاء به خداوند ، که نماز مظهر آن است و دیگری مسأله خودیاری و اتکاء به نفس که به عنوان صبر از آن یاد شده است .

جلوه های ذات پاک خدا در پهنه هستی

۱۶۴ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلاَفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُوكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ مَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضْرِيحِ الرِّيحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

جزء دوم (۳۷)

در آفرینش آسمان ها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتی هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین را پس از مرگ زنده نموده و انواع جنبندگان را در آن گسترده و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که در میان زمین و آسمان معلقند، نشانه هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای

ص: ۳۱

مردمی که عقل دارند و می اندیشند .

کلمه « فُلْک » به معنی کشتی است و مفرد و جمع آن یکی است .

مقدمتا باید به این نکته توجه داشت که همه جا « نظم و انسجام » دلیل بر وجود علم و دانش است و همه جا « هماهنگی » دلیل بر وحدت و یگانگی است .

روی این اصل ، ما به هنگام برخورد به مظاهر نظم در جهان هستی از یک سو و هماهنگی و وحدت عمل این دستگاه های منظم از سوی دیگر ، متوجه مبدأ علم و قدرت یگانه و یکتایی می شویم ، که این همه

(۳۸) سوره بقره

آوازه ها از اوست .

مثلاً هنگامی که هر یک از پرده های هفت گانه چشم را با ساختمان ویژه و ظریفش بررسی می کنیم ، می دانیم که طبیعت بی شعور و کور و کر محال است بتواند مبدأ چنین اثر بدیعی باشد ، سپس هنگامی که همکاری و هماهنگی این پرده های هفت گانه را با یکدیگر و هماهنگی مجموع چشم را با کل بدن انسان و هماهنگی یک انسان را با سایر انسان ها و هماهنگی کل جامعه انسانی را با مجموعه نظام هستی در نظر می گیریم ، می دانیم که همه این ها از یک جا سرچشمه گرفته است و همه از آثار قدرت یک ذات پاک است .

ص: ۳۲

آیا یک شعر زیبا و نغز و پرمحتوا مارا به ذوق و قریحه سرشار شاعر هدایت نمی کند؟

و آیا هماهنگی کامل قطعه های شعر موجود در یک دیوان با یکدیگر، دلیل بر این نیست که همه از قریحه یک شاعر توانا تراوش کرده؟

جزء دوم (۳۹)

بادر نظر گرفتن این مقدمه فشرده و کوتاه به تفسیر آیه بازمی گردیم؛

در این آیه به شش بخش از آثار نظم در جهان هستی که هر کدام آیت و نشانه ای از آن مبدأ بزرگ است، اشاره شده؛

« در آفرینش آسمان و زمین ... » (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ...) .

آری آفرینش این آسمان پرشکوه و این همه کرات عالم بالا یعنی میلیون ها میلیون آفتاب درخشان و هزاران هزار ستارگان ثابت و سیار که در یک شب تاریک و پرستاره با چشمک زدن های پرمعنی خود با ما سخن می گویند و یا در پشت تلسکوپ های عظیم خود را به ما نشان می دهند، با آن نظام دقیق و عجیب خود که سراسر آن ها را همچون حلقه های یک رشته زنجیر به هم پیوسته است و همچنین آفرینش زمین با انواع مظاهر حیات و زندگی که در چهره های بسیار متنوع و در لباس

ص: ۳۳

صدها هزار نوع گیاه و حیوان جلوه گر شده ، همه نشانه های ذات پاک او و آیینه های درخشان قدرت و علم و یگانگی او هستند .

(۴۰) سوره بقره

« و نیز در آمد و شد شب و روز ... » (وَ اِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ...) .

آری این دگرگونی لیل و نهار و این آمد و رفت روشنایی و تاریکی با آن نظم خاص و تدریجی که دائما از یکی کاسته و بر دیگری افزوده می شود و به کمک آن فصول چهارگانه به وجود می آید و درختان و گیاهان و موجودات زنده ، مراحل تکاملی خود را در پرتو این تغییرات تدریجی ، گام به گام طی می کنند، این هانسانه دیگری از ذات و صفات متعالی او هستند.

« و کشتی هایی که در دریاها به سود مردم به حرکت درمی آیند ... » (وَ الْفُلُكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ ...) .

آری انسان به وسیله کشتی های بزرگ و کوچک ، صحنه اقیانوس ها را می نوردد و به این وسیله به نقاط مختلف زمین ، برای انجام مقاصد خود سفر می کند ، این حرکت مخصوصا با کشتی های بادبانی ، معلول چند نظام است ؛

ص: ۳۴

نخست بادهای منظمی که در سطح اقیانوس ها می وزد ، اعمّ از وزش های سراسری که به طور مداوم از قطب شمال و جنوب در حرکتند و به نام « آلیزه » و « کترالیزه » معروفند ، یا وزش های منطقه ای که تحت برنامه های معینی حرکت می کنند و به کشتی ها امکان می دهند از این نیروی فراوان و رایگان طبیعی بهره گیرند و به سوی مقصد پیش روند (همچنین خاصیت طبیعی چوب با فشار مخصوصی که از ناحیه آب به اجسام وارد می شود و آن ها را بر سطح آب شناور می سازد و همچنین خاصیت تغییرناپذیر دو قطب مغناطیسی زمین که عقربه های قطب نماها را تنظیم می کند و یا نظام ستارگان آسمان که راه مقصد را به انسان نشان می دهند ، آری تا همه این نظام ها دست به دست هم ندهند ، استفاده از کشتی ها با آن فواید سرشارشان امکان پذیر نیست و در نتیجه این ها نیز آیتی است برای ذات پاک او) .

عجیب این که امروز نه تنها با پیدایش کشتی های موتوری ، از

(۴۲) سوره بقره

عظمت این معنی کاسته نشده، بلکه به مراتب بر عظمت آن افزوده است ، چراکه هنوز مهم ترین وسیله نقلیه بشر ، کشتی های غول پیکری هستند که گاهی به اندازه یک شهر وسعت دارند و در آن میدان ها و مراکز تفریح و زمین بازی و حتی بازار وجود دارد و یا بر عرشه آن ، فرودگاه

عظیمی است برای نشستن و برخاستن هواپیماهای زیاد .

« و آبی که خداوند از آسمان فرو فرستاده و به وسیله آن ، زمین های مرده را زنده کرده و انواع جنبندگان را در آن گسترده است ... » (وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ ...) .

آری دانه های حیات بخش باران و قطرات پرتراوت و بابرکت این آب تصفیه شده طبیعی به هر جا می ریزد ، زندگی و حیات می پاشد و حرکت و برکت و آبادی و نعمت ، همراه خود می آورد ، این آب که با نظام خاصی ریزش می کند و آن همه موجودات و جنبندگان که از این مایع بی جان ، جان می گیرند ، همه پیام آور قدرت و عظمت او هستند .

جزء دوم (۴۳)

« و حرکت دادن و وزش منظم بادها ... » (وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ ...) .

که نه تنها بر دریاها می وزند و کشتی ها را حرکت می دهند ، بلکه سطح خشکی ها ، کوه ها و درّه ها و جلگه ها را جولانگاه خود قرار داده اند ، گاهی گرده های نر را بر قسمت های ماده گیاهان می افشانند و بذره های گوناگون را می گسترانند .

و زمانی با حرکت دادن امواج اقیانوس ها ، آن ها را به طور مداوم

ص: ۳۶

به هم می آمیزند تا محیط آماده ای برای زیست موجودات زنده دریا فراهم گردد .

و گاه با انتقال دادن گرمای مناطق گرمسیر به مناطق سردسیر و انتقال سرمای مناطق سردسیر به مناطق گرمسیر ، کمک به تعدیل هوای کره زمین می کنند .

و زمانی با جابه جا کردن هوای مسموم و فاقد اکسیژن شهرها به بیابان ها و جنگل ها، وسایل تصفیه و تهویه را برای بشر فراهم می سازند .

(۴۴) سوره بقره

آری وزش بادهای با این همه فواید و برکات، نشانه دیگری از حکمت و لطف بی پایان او است.

« و ابرهائی که در میان زمین و آسمان معلقند ... » (وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...) .

این ابرهای متراکم که بالای سر ما در گردشند و میلیاردها تن آب را بر خلاف قانون جاذبه در میان زمین و آسمان ، معلق نگاه داشته و آن ها را از هر نقطه به نقطه دیگر می برند ، بی آن که کمترین خطری ایجادکنند، خود نشانه ای از عظمت اویند .

به علاوه اگر آبیاری و « منصب آبدهی » آن ها نبود ، در سرتاسر

ص: ۳۷

خشکی های روی زمین ، نه قطره آبی برای نوشیدن وجود داشت و نه چشمه و جویباری برای روییدن گیاه ، همه جا ویرانه بود و کویر و بر همه جا خاک مرده پاشیده می شد ، این نیز جلوه دیگری از علم و قدرت او است .

جزء دَوِّم (۴۵)

آری همه این ها « نشانه ها و علامات ذات پاک او هستند ، اما برای مردمی که عقل و هوش دارند و می اندیشند » (لآیاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ) .

نه برای بی خبران سبک مغز و چشم داران بی بصیرت و گوش داران کر .

۱۶۸ يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

ای مردم از آن چه در زمین است ، حلال و پاکیزه بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید ، چه این که او دشمن آشکار شما است .

شأن نزول

از « ابن عبّاس » نقل شده که ؛ بعضی از طوایف عرب همانند « ثقیف » و « خُزاعه » و غیر آن ها ، قسمتی از انواع زراعت و حیوانات را بدون دلیل بر خود حرام کرده بودند (حتی تحریم آن را به خدا نسبت

ص: ۳۸

می دادند) آیات فوق نازل شد و آن ها را از این عمل ناروا بازداشت .

(۴۶) سوره بقره

گام های شیطان

« خُطُوات » جمع « خُطُوهُ » به معنی گام و قدم است و « خُطُواتِ الشَّيْطَانِ » ، گام هایی است که شیطان برای وصول به هدف خود و اغواء مردم برمی دارد .

جمله « لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ » در پنج مورد از قرآن مجید به چشم می خورد که دو مورد آن در مورد استفاده از غذاها و روزی های الهی است و در واقع به انسان ها هشدار می دهد که این نعمت های حلال را در غیر مورد مصرف نکنند و این نعمت های الهی را وسیله ای برای اطاعت و بندگی قرار دهند ، نه طغیان و فساد در ارض .

جمله « إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ » که متجاوز از ده بار در قرآن مجید به دنبال نام شیطان آمده است ، برای این است که تمام نیروهای انسان را برای مبارزه با این دشمن بزرگ و آشکار بسیج کند .

اصل حَلِّیت

این آیه دلیل بر این است که اصل اولی در همه غذاهایی که روی زمین وجود دارد ، حَلِّیت است و غذاهای حرام، جنبه استثنایی دارد ، بنابراین حرام بودن چیزی ، دلیل می خواهد نه حلال بودن آن .

ص: ۳۹

و از آن جا که قوانین تشریحی باید با قوانین تکوینی هماهنگ باشد، طبع آفرینش نیز این چنین اقتضا می کند، به عبارت روشن تر آن چه خدا آفریده، حتماً فایده ای داشته و برای استفاده بندگان بوده، بنابراین معنی ندارد که اصل اولی تحریم باشد، نتیجه این که هر غذایی که ممنوعیت آن با دلیل صحیح ثابت نشده، مادام که منشأ فساد و زیان و ضرری برای فرد و اجتماع نباشد، طبق آیه شریفه فوق، حلال است.

انحرافات تدریجی

جمله « خُطُواتِ الشَّيْطَانِ » (گام های شیطان) گویا اشاره به یک مسأله دقیق تربیتی دارد و آن این که ؛ انحراف ها و تبه کاری ها، غالباً به تدریج در انسان نفوذ می کند، نه به صورت دفعی و فوری، مثلاً برای آلوده شدن یک جوان به مواد مخدر و قمار و شراب، معمولاً مراحل و وجود دارد ؛ نخست به صورت تماشاچی در یکی

(۴۸) سوره بقره

از این جلسات شرکت می کند و انجام این کار را ساده می شمرد .

گام دوم، شرکت تفریحی در قمار (بدون برد و باخت) و یا استفاده از مواد مخدر به عنوان رفع خستگی و یا درمان بیماری و مانند آن است .

گام سوم، استفاده از این مواد به صورت کم و به قصد این که در مدت

کوتاهی از آن صرف نظر کند .

سرانجام گام ها یکی پس از دیگری برداشته می شود و شخص به صورت یک قمارباز حرفه ای خطرناک و یا یک معتاد سخت و بی نوا درمی آید .

وسوسه های شیطان معمولاً به همین صورت است ، انسان را قدم به قدم و تدریجاً در پشت سر خود به سوی پرتگاه می کشاند ، این موضوع منحصر به شیطان اصلی نیست ، تمام دستگاه های شیطانی و آلوده برای پیاده کردن نقشه های شوم خود از همین روش « خُطُوات » (گام به گام) استفاده می کنند ، لذا قرآن می گوید : از همان گام اول باید به هوش بود و با شیطان همراه نشد .

جزء دَوّم (۴۹)

این نکته نیز قابل توجه است که در احادیث اسلامی کارهای خرافی و بی منطق به عنوان « خُطُواتِ الشَّیطان » معرفی شده است .

مثلاً در حدیثی می خوانیم : مردی قسم یاد کرده بود که فرزندش را (برای خداوند) ذبح کند، امام صادق فرمود : « ذَلِکَ مِنْ خُطُواتِ الشَّیطان : این از گام های شیطان است » .^(۱)

در حدیث دیگری از امام باقر می خوانیم : « کُلُّ یَمینِ بَغیرِ اللّهِ فَهُوَ مِنْ خُطُواتِ الشَّیطان : هر سوگندی به غیر نام خدا باشد ، از گام های شیطان است » .^(۲)

باز در حدیثی از امام صادق چنین می خوانیم که : « هر کس سوگند به ترک چیزی خورد که انجام آن بهتر است ، اعتناء به سوگند نکند و آن کار خیر را به جا آورد، کفّاره هم ندارد و این از خطوات شیطان است » .^(۳)

ص: ۴۱

۱- «المیزان»، جلد ۱، صفحه ۴۲۸ .

۲- «المیزان»، جلد ۱، صفحه ۴۲۸ .

۳- «المیزان»، جلد ۱، صفحه ۴۲۸ .

چگونگی وسوسه شیطان

در این جا سؤالی مطرح است و آن این که ؛ آیه می گوید : « شیطان به شما امر می کند که به سوی بدی ها و فحشاء بروید » مسلماً مراد از « امر » همان وسوسه های شیطان است ، در حالی که ما به هنگام انجام بدی ها هیچ گونه احساس امر و تحریک از بیرون وجودمان نمی کنیم و کوشش شیطان برای گمراه ساختن خود هرگز قابل لمس نیست .

پاسخ این است که ؛ همان طور که از واژه « وَشَوَسَه » هم استفاده می شود ، تأثیر شیطان در وجود انسان ، یک نوع تأثیر خفّی و ناآگاه

است که در بعضی از آیات از آن تعبیر به « ایحاء » شده است .

در آیه ۱۲۱ سوره انعام می خوانیم : « وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ : شِيَاطِينَ بِهِ دُوسْتَانِ خُودِ وَ كَسَانِي كِه آمَادِه پندیرش

جزء دؤم (۵۱)

دستورات آن ها هستند ، وحی می کنند ، همان طوری که می دانیم « وحی » در اصل همان صدای مخفی و مرموز و احیانا تأثیرهای ناآگاهانه است .

منتهی انسان به خوبی می تواند « اِلْهَامَاتِ اِلْهِي » را از « وسوسه های شیطانی » تشخیص دهد، زیرا علامت روشنی برای تشخیص آن وجود دارد و آن این که ؛ اِلْهَامَاتِ اِلْهِي چون با فطرت پاک انسان و ساختمان جسم و روح او آشنا است ، هنگامی که در قلب پیدا می شود ، یک حالت انبساط و نشاط به او دست می دهد .

در حالی که وسوسه های شیطان چون هماهنگ با فطرت و ساختمان او نیست، به هنگام ایجاد در قلبش ، احساس تاریکی ، ناراحتی و سنگینی در خود می کند و اگر تمایلات او طوری تحریک گردد که در هنگام انجام گناه ، این احساس برای او پیدا نشود ، بعد از انجام عمل برای او دست می دهد ، این است فرق بین اِلْهَامَاتِ شَيْطَانِي و اِلْهَامَاتِ اِلْهِي .

ص: ۴۳

۱۶۹ اِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوۡءِ وَ الْفَحۡشَآءِ وَ اَنْ تَقُوۡلُوۡا عَلٰى اللّٰهِ مَا لَا تَعۡلَمُوۡنَ

او شما را فقط به بدی ها و انحرافات فرمان می دهد (و نیز دستور می دهد) آن چه را که نمی دانید، به خدا نسبت دهید .

« فَحْشَاءَ » از ماده « فُحِش » به معنی هر کاری است که از حدّ اعتدال خارج گردد و صورت « فاحش » به خود بگیرد ، بنابراین شامل تمامی مُنْكَرَات و قبايح واضح و آشکار می گردد ، اما این که می بینیم این لفظ امروز در مورد اعمال منافی عفت یا در مورد گناهانی که حد شرعی دارد، به کار می رود، در واقع از قبیل استعمال لفظ « کَلِّی » در بعضی از مصادیق آن است .

جمله « تَقُوۡلُوۡا عَلٰى اللّٰهِ مَا لَا تَعۡلَمُوۡنَ » اشاره به آن است که این گونه کارها حدّ اقلّ قول بدون علم است ، آن هم در برابر خداوند بزرگ و این کاری است که با هیچ منطق و عقل و خردی سازگار نمی باشد .

جزء دوّم (۵۳)

اصولاً اگر مردم مقید باشند که هر سخنی را می گویند ، متکی به یک مدرک قطعی بوده باشد ، بسیاری از نابسامانی ها و بدبختی ها از جامعه بشری برچیده می شود .

در واقع تمام خرافات در ادیان و مذاهب الهی ، از همین رهگذر به وسیله افراد بی منطق نفوذ کرده است و قسمت مهمی از انحرافات عقیدتی و عملی به خاطر عدم رعایت همین اصل اساسی است و لذا این کار در برابر بدی ها و زشتی ها یک عنوان مستقل از خطوات شیطانی را در آیه فوق به خود اختصاص می دهد .

بنابراین برنامه های شیطانی در این سه امر خلاصه می شود ؛ « بدی ها » ، « زشتی ها » و « گفتن سخنان ناروا و بی مدرک در برابر ذات پاک پروردگار » .

طبیات و خبائث

۱۷۲ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

(۵۴) سوره بقره

ای افراد باایمان، از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم ، بخورید و شکر خدا را به جا آورید ، اگر او را پرستش می کنید.

مقایسه این آیه با آیه « يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ » (۱۶۸ همین سوره) و ملاحظه تفاوت های این دو باهم ، دو نکته لطیف را به ما می فهماند ؛

ص: ۴۵

در این جا می گوید: « مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ » (از غذاهای پاکی که به شما روزی دادیم ...) در حالی که در آن جا می گفت: « مِمَّا فِي الْأَرْضِ » (از آن چه در زمین است) این تفاوت گویا اشاره به این است که نعمت های پاکیزه در اصل برای افراد باایمان آفریده شده و افراد بی ایمان به برکت آن ها روزی می خورند ، همانند آبی که باغبان برای گل ها در جوی ها جاری می سازد ، ولی خارها و علف هرزه ها نیز از آن بهره می گیرند .

دیگر این که به مردم عادی می گوید: بخورید و پیروی گام های شیطان نکنید ، ولی به مؤمنان در آیه مورد بحث می گوید : بخورید و شکر خدا را به جا آورید، یعنی تنها به عدم سوءاستفاده از این نعمت ها قناعت نمی کند، بلکه حسن استفاده را نیز شرط می شمرد .

جزء دوم (۵۵)

در حقیقت از مردم عادی تنها انتظار می رود که گناه نکنند ، ولی از افراد باایمان انتظار دارد که این نعمت ها را در بهترین راه مصرف کنند .

ضمنا ممکن است تکرار سفارش در مورد استفاده از غذاهای پاک که در آیات متعدد عنوان شده ، برای بعضی سؤال انگیز باشد ، اما اگر کمی به تاریخ زمان جاهلیت و آداب و رسوم خرافی آن ها توجه کنیم و بدانیم که آن ها چگونه بدون دلیل نعمت های حلال را بر خود ممنوع

ص: ۴۶

می ساختند و این عادت به طوری در آن ها نفوذ کرده بود که همچون وحی آسمانی تلقی می شد و گاه آن را صریحا به خدا نسبت می دادند ، نکته این تأکید روشن می شود ، قرآن می خواهد این افکار خرافی را از این طریق به کلی از مغز آن ها بیرون کند .

به علاوه تکیه روی عنوان « طَیِّب » همگان را متوجه این دستور

(۵۶) سوره بقره

اسلامی می کند که از غذاهای ناپاک ، از گوشت هایی همچون گوشت مردار و درندگان و حشرات و از مسکرات که به شدت در میان مردم آن زمان رواج داشت ، پرهیزند .

در جلد ششم «تفسیر نمونه» ، صفحه ۱۴۹ به بعد ، در زمینه استفاده مؤمنان از روزی های پاک و زینت های معقول (ذیل ۳۲ / اعراف) بحث مشروحی مطرح شده است.

۱۷۳ اِنَّمَا حَرَّمَ عَلَیْكُمْ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا اُحِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا اِثْمَ عَلَیْهِ اِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

خداوند تنها (گوشت) مردار و خون و گوشت خوک و آن چه نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است، (ولی) آن کس که مجبور شود، (در موقع ضرورت برای حفظ

ص: ۴۷

جان خوداز آن بخورد) در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست، خداوند بخشنده و مهربان است .

جزء دوم (۵۷)

« باغ » و « عادٍ » در اصل باغی و عادی بوده ، " باغی " از ماده « بَغَى » به معنی طلب کردن است و در این جا منظور طلب کردن لذت است و " عادی " به معنی متجاوز می باشد، یعنی متجاوز از حدّ ضرورت .

و به این ترتیب سه قسمت از گوشت های حرام به اضافه خون که بیش از همه مورد ابتلای مردم آن محیط بوده است ، در این جا ذکر می کند که بعضی پلیدی ظاهری دارند و بر کسی مخفی نیست ، مانند ؛ مردار، خون و گوشت خوک و بعضی پلیدی معنوی دارند، مانند؛ قربانی هایی که برای بت ها می کردند .

و از آن جا که گاه ضرورت هایی پیش می آید که انسان برای حفظ جان خویش مجبور به استفاده از بعضی از غذاهای حرام می شود ، قرآن در ذیل آیه آن را استثناء کرده و می گوید : ولی کسی که مجبور شود (برای نجات جان خویش از مرگ) از آن ها بخورد ، گناهی بر او نیست ، به شرط این که ستمگر و متجاوز نباشد (فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ

(۵۸) سوره بقره

وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ) .

ص: ۴۸

به این ترتیب برای این که اضطرار، بهانه و دستاویزی برای زیاده روی در خوردن غذاهای حرام نشود، با دو کلمه «غَيْرِ بَاغٍ» و «لَا عَادٍ» گوش زد می کند که این اجازه تنها برای کسانی است که خواهان لذت از خوردن این محرمات نباشند و از مقدار لازم که برای نجات از مرگ ضروری است، تجاوز نکنند.

در حدیثی از امام صادق می خوانیم که در تفسیر آیه فوق فرمود: «منظور از "باغی"، کسی است که به دنبال صید (از روی تفریح نه از روی نیاز) می رود و منظور از "عادی"، سارق است، آن ها حق ندارند گوشت میتة بخورند و برای آن ها حرام است و نماز را نیز نمی توانند شکسته بخوانند» (۱).

فلسفه تحریم گوشت های حرام

جزء دوم (۵۹)

بدون شك غذاهایی که در آیه فوق تحریم شده، همچون سایر محرمات الهی، فلسفه خاصی دارد و باتوجه کامل به وضع جسم و جان انسان با تمام ویژگی هایش تشریح شده است، در روایات اسلامی نیز زیان های هر یک مشروحا آمده و پیشرفت های علمی بشر،

ص: ۴۹

پرده از روی آن برداشته است .

مثلاً در کتاب «کافی» پیرامون گوشت مردار از حضرت امام صادق چنین می خوانیم : « أَمَّا الْمَيْتَةُ فَإِنَّهُ لَمْ يَنْلُ مِنْهَا أَحَدٌ إِلَّا ضَعُفَ بَدَنُهُ وَ ذَهَبَتْ قُوَّتُهُ وَ انْقَطَعَ نَسْلُهُ وَ لَا يَمُوتُ أَكْلُ الْمَيْتَةِ إِلَّا فُجَاءً » ، امام بعد از ذکر مقدمه ای در مورد این که تمام این احکام به خاطر مصالح بشر است ، می فرماید : « اما مردار را هیچ کس از آن نمی خورد ، مگر این که بدنش ضعیف و رنجور می شود ، نیروی او را می کاهد و نسل او را قطع می کند و آن کس که به این کار ادامه دهد ، با سکتته و مرگ ناگهانی از دنیا می رود » . (۱)

(۶۰) سوره بقره

این مفسد ممکن است به خاطر آن باشد که دستگاه گوارش نمی تواند از مردار ، خون سالم و زنده بسازد ، به علاوه مردار کانونی است از انواع میکروب ها ، اسلام علاوه بر این که خوردن گوشت مردار را تحریم کرده ، آن را نجس هم دانسته ، تا مسلمانان کاملاً از آن دوری کنند .

دوّمین چیزی که در آیه تحریم شده ، "خون" است (وَ الدَّم) ،

ص: ۵۰

۱- «وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ»، جلد ۱۶، صفحه ۳۱۰ .

خون خواری هم زیان جسمی دارد و هم اثر سوء اخلاقی ، چراکه خون از یک سو ماده کاملاً آماده ای است برای پرورش انواع میکروب ها .

تمام میکروب هایی که وارد بدن انسان می شوند ، به خون حمله می کنند و آن را مرکز فعالیت خویش قرار می دهند ، به همین دلیل گلبول های سفید که پاسداران و سربازان کشور تن انسانند ، همواره در منطقه خون پاسداری می کنند تا میکروب ها به این سنگر حساس که با تمام مناطق بدن ارتباط نزدیک دارد ، راه پیدا نکنند .

جزء دوم (۶۱)

مخصوصاً هنگامی که خون از جریان می افتد و به اصطلاح می میرد ، گلبول های سفید از بین می روند و به همین دلیل میکروب ها که میدان را خالی از حریف می بینند ، به سرعت زاد و ولد کرده ، گسترش می یابند ، بنابراین اگر گفته شود : خون به هنگامی که از جریان می افتد ، آلوده ترین اجزای بدن انسان و حیوان است ، گزاف گفته نشده .

از سوی دیگر امروز در علم غذاشناسی ثابت شده که غذاها از طریق تأثیر در غده ها و ایجاد هورمون ها در روحتیات و اخلاق انسان اثر می گذارند ، از قدیم نیز تأثیر خون خواری در قساوت و سنگ دلی به تجربه رسیده و حتی ضرب المثل شده است و لذا در حدیثی می خوانیم: « آن ها که خون می خورند، آن چنان سنگ دل می شوند

ص: ۵۱

که حتی ممکن است دست به قتل پدر و مادر و فرزند خود بزنند» (۱).

سومین چیزی که در آیه تحریم شده، خوردن گوشت "خوک" است

(۶۲) سوره بقره

(وَلَحْمِ الْخِزْيِيرِ).

خوک حتی نزد اروپاییان که بیشتر گوشت آن را می‌خورند، سمبل بی‌غیرتی است و حیوانی است کثیف، خوک در امور جنسی فوق‌العاده بی‌تفاوت و لابیالی است و علاوه بر تأثیر غذا بر روحیات که از نظر علم ثابت است، تأثیر این غذا در خصوص لابیالی‌گری در مسائل جنسی مشهود است.

در شریعت حضرت موسی، حرمت گوشت خوک نیز اعلام شده است و در اناجیل، گناهکاران به خوک تشبیه شده‌اند و در ضمن داستان‌ها، مظهر شیطان، خوک معرفی شده است.

جای تعجب است که بعضی با چشم خود می‌بینند از یک سو خوراک خوک، نوعاً از کثافات و گاهی از فضولات خودش است و از سوی دیگر برای همه روشن شده که گوشت این حیوان پلید، دارای دو نوع انگل خطرناک به نام «کرم تریشین» و یک

ص: ۵۲

نوع « کرم کدو» است ، باز هم در استفاده از گوشت آن اصرار می ورزند .

جزء دوّم (۶۳)

بعضی می گویند : با وسایل امروز ، می توان تمام این انگل ها را کشت و گوشت خوک را از آن ها پاک نمود ، ولی به فرض که با وسایل بهداشتی بپختن گوشت خوک در حرارت زیاد، انگل های مزبور به کلی از میان بروند ، باز زیان گوشت خوک ، قابل انکار نیست ، زیرا طبق اصل مسلمی که اشاره شد، گوشت هر حیوانی ، حاوی صفات آن حیوان است و از طریق غده ها و تراوش آن ها (هورمون ها) در اخلاق کسانی که از آن تغذیه می کنند ، اثر می گذارد و به این ترتیب خوردن گوشت خوک ، می تواند صفت بی بند و باری جنسی و بی اعتنایی به مسائل ناموسی را که از خصایص بارز نر این حیوان است ، به خورنده آن منتقل کند .

و شاید یکی از علل بی بند و باری شدید جنسی که در کشورهای غربی حکومت می کند، همان تغذیه از گوشت این حیوان آلوده باشد .

چهارمین چیزی که تحریم شده ، گوشت هایی است که نام

(۶۴) سوره بقره

"غیر خدا" ، هنگام ذبح بر آن برده شود (وَ مَا أَهْلٌ بِهِ لَغَيْرِ اللَّهِ) .

از جمله گوشت هایی که در این آیه از خوردن آن ها نهی شده، گوشت

ص: ۵۳

حیواناتی است که مثل زمان جاهلیت به نام غیر خدا (بت ها) ذبح شود .

آیا بردن نام خدا یا غیر خدا هنگام ذبح ، از نظر بهداشتی در گوشت حیوان اثر می گذارد؟

در پاسخ باید گفت : نباید فراموش کرد که لازم نیست نام خدا و غیر خدا در ماهیت گوشت از نظر بهداشتی اثری بگذارد ، زیرا محرّمات در اسلام روی جهات مختلفی است ، گاهی تحریم چیزی به خاطر بهداشت و حفظ جسم است و گاهی به خاطر تهذیب روح و زمانی به خاطر حفظ نظام اجتماع و تحریم گوشت هایی که به نام بت ها ذبح می شود ، در حقیقت جنبه معنوی و اخلاقی و تربیتی دارد ، آن ها انسان را از خدا دور می کند و اثر روانی و تربیتی نامطلوبی دارد ، چرا که از سنت های شرک و بت پرستی است و تجدیدکننده خاطره آن ها .

جزء دوم (۶۵)

روزه سرچشمه تقوا

۱۸۳ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ای افرادی که ایمان آورده اید ، روزه بر شما نوشته شد، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند ، نوشته شده ،

ص: ۵۴

تا پرهیزکار شوید.

روزه عامل مؤثری است برای پرورش روح تقوا و پرهیزکاری در تمام زمینه ها و همه ابعاد .

از آن جا که انجام این عبادت با محرومیت از لذایذ مادی و مشکلاتی مخصوصا در فصل تابستان همراه است ، تعبیرات مختلفی در آیه فوق به کار رفته که روح انسان را برای پذیرش این حکم آماده سازد .

نخست با خطاب « یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا : ای مؤمنان » .

سپس بیان این حقیقت که روزه اختصاص به شما ندارد، بلکه درامت های

(۶۶) سوره بقره

پیشین نیز بوده است .

و سرانجام بیان فلسفه آن و این که اثرات پر بار این فریضه الهی صد درصد عاید خود شما می شود ، آن را یک موضوع دوست داشتنی و گوارا می سازد .

در حدیثی از امام صادق نقل شده که فرمود: «لَعَنَهُ مَا فِي النَّدَاءِ اَزَالَ تَعَبَ الْعِبَادَةِ وَالْعَنَاءِ : لَذَّتْ خُطَابُ " یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا " آن چنان است که سختی و مشقت این

ص: ۵۵

۱۸۴ آیامَا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

جزء دُوم (۶۷)

چند روز معدودی را (باید روزه بدارید) و کسانی از شما که بیمار یا مسافر باشند، روزهای دیگری را (به جای آن روزه بگیرند) و بر کسانی که قدرت انجام آن را ندارند (همچون بیماران مزمن و پیرمردان و پیرزنان) لازم است کفاره بدهند، مسکینی را اطعام کنند و کسی که کار خیر را پذیرا شود، برای او بهتر است و روزه داشتن، برای شما بهتر است اگر بدانید.

«يُطِيقُونَهُ» از ماده «طَوَّق» در اصل به معنی حلقه ای است که به گردن می اندازند و یا به طور طبیعی در گردن وجود دارد (مانند حلقه رنگین گردن بعضی از پرندگان) سپس به معنی نهایت توانایی به کار

ص: ۵۶

رفته است ، جمله « يُطِيقُونَهُ » در این جا با توجه به این که ضمیر آخر آن ، به روزه برمی گردد ، مفهومی این است که برای انجام روزه ، نهایت توانایی خود را باید به کاربرند ، یعنی شدیداً به زحمت بیفتند و این در مورد پیران و بیماران غیر قابل علاج می باشد، بنابراین آن ها از حکم روزه

(۶۸) سوره بقره

معافند و تنها به جای آن، فِدْيَه می پردازند (ولی بیمارانی که بهبودی می یابند ، موظفند قضای روزه را بگیرند) .

در آیه فوق برای این که باز از سنگینی روزه کاسته شود ، چند دستور دیگر را در این زمینه بیان می فرماید ، نخست می گوید :

« چند روز معدودی را باید روزه بدارید » (أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ) .

چنان نیست که مجبور باشید تمام سال یا قسمت مهمی از آن را روزه بگیرید ، بلکه روزه تنها بخش کوچکی از آن را اشغال می کند .

دیگر این که ؛ « کسانی از شما که بیمار یا مسافر باشند و روزه گرفتن برای آن ها مشقت داشته باشد ، از این حکم معافند و باید روزهای دیگری را به جای آن روزه بگیرند » (فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ) .

سوم این که ؛ « کسانی که با نهایت زحمت باید روزه بگیرند (مانند پیرمردان و پیرزنان و بیماران مزمن که بهبودی برای آن ها نیست ،) لازم

ص: ۵۷

نیست مطلقاً روزه بگیرند، بلکه باید به جای آن ، کفاره دهند، مسکینی را

جزء دوم (۶۹)

اطعام کند» (وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ).

« و آن کس که مایل باشد بیش از این در راه خدا اطعام کند ، برای او بهتر است » (فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ).

و بالاخره در پایان آیه این واقعیت را بازگو می کند که ؛ « روزه گرفتن برای شما بهتر است ، اگر بدانید » (وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ).

۱۸۵ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتَكْبُرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

(آن چندروز معدود) ماه رمضان است که قرآن برای راهنمایی مردم و نشانه های هدایت و فرق میان حق و باطل در آن

(۷۰) سوره بقره

نازل شده، پس آن کس که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد و آن کس که بیمار یا در سفر باشد، روزه های

ص: ۵۸

دیگری را به جای آن روزه بگیرد، خداوند راحتی شما را می خواهد نه زحمت، هدف این است که این روزها را تکمیل کنید و خدا را بر این که شما را هدایت کرده، بزرگ بشمارید و شاید شکرگزاری کنید.

تکرار حکم مسافر و بیمار در این آیه و آیه قبل ممکن است از این نظر باشد که بعضی به گمان این که خوردن روزه مطلقاً کار خوبی نیست، به هنگام بیماری و سفر اصرار داشته باشند روزه بگیرند، لذا قرآن با تکرار این حکم می خواهد به مسلمانان بفهماند همان گونه که روزه گرفتن برای افراد سالم یک فریضه الهی است، افطار کردن هم برای بیماران و مسافران، یک فرمان الهی می باشد که مخالفت با آن گناه است.

در قسمت آخر آیه بار دیگر به فلسفه تشریح روزه پرداخته،

جزء دوم (۷۱)

می گوید: «خداوند راحتی شما را می خواهد و زحمت شما را نمی خواهد» (يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ).

اشاره به این که روزه داشتن، گرچه در ظاهر یک نوع سخت گیری و محدودیت است، اما سرانجامش راحتی و آسایش انسان می باشد، هم از نظر معنوی و هم از لحاظ مادی.

ص: ۵۹

این جمله ممکن است به این نکته نیز اشاره داشته باشد که فرمان های الهی مانند فرمان حاکمان ستمگر نیست ، بلکه در مواردی که انجام آن مشقت شدید داشته باشد، وظیفه آسان تری قائل می شود ، لذا حکم روزه را با تمام اهمیتی که دارد ، از بیماران و مسافران و افراد ناتوان برداشته است .

سپس اضافه می کند: «هدف آن است که شما تعداد این روزها را کامل کنید» (وَلْتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ) .

یعنی بر هر انسان سالمی لازم است در سال ، یک ماه روزه بدارد ، چرا که برای پرورش جسم و جان او لازم است ، به همین دلیل اگر ماه

(۷۲) سوره بقره

رمضان بیمار یا در سفر بودید ، باید به تعداد این ایام ، روزه را قضاء کنید تا عدد مزبور کامل گردد ، حتی زنان حائض که از قضاى نماز معافند ، از قضاى روزه معاف نیستند .

و در آخرین جمله می فرماید : « تا خدا را به خاطر این که شما را هدایت کرده ، بزرگ بشمارید و شاید شکر نعمت های او را بگذارید » (وَ لِيُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) .

آری شما باید به خاطر آن همه هدایت ها در مقام تعظیم پروردگار برآیید و در مقابل آن همه نعمت ها که به شما بخشیده، شکرگزاری کنید .

ص: ۶۰

این که ماه رمضان برای روزه گرفتن انتخاب شده ، به خاطر این است که این ماه بر سایر ماه ها برتری دارد ، در آیه مورد بحث نکته برتری آن چنین بیان شده که قرآن کتاب هدایت و راهنمای بشر که «فُرْقَان» است ، یعنی با دستورات و قوانین خود روش های صحیح را از ناصحیح جدا کرده و سعادت انسان ها را تضمین نموده است ، در این

جزء دوّم (۷۳)

ماه نازل گردیده و در روایات اسلامی نیز چنین آمده است که: همه کتاب های بزرگ آسمانی ؛ «تَوْرَات» ، «اِنْجیل» ، «زَبُور» ، «صُحُف» و «قُرْآن» همه در این ماه نازل شده اند .

امام صادق می فرماید : « "تورات" در ششم ماه مبارک رمضان و "انجیل" در دوازدهم و "زبور" در هیجدهم و "قرآن مجید" در شب قدر نازل گردیده است »(۱)

به این ترتیب ماه رمضان ، همواره ماه نزول کتاب های بزرگ آسمانی و ماه تعلیم و تربیت بوده است ، چراکه تربیت و پرورش بدون تعلیم و آموزش صحیح ممکن نیست ، برنامه تربیتی روزه نیز باید

ص: ۶۱

۱- « وسائل الشیعه » ، جلد ۷ ، ابواب اَحْکامِ شَهْرِ رَمَضانَ ، باب ۱۸ ، حدیث ۱۶ .

با آگاهی هرچه بیشتر و عمیق تر از تعلیمات آسمانی هماهنگ گردد تا جسم و جان آدمی را از آلودگی گناه شستشو دهد .

در آخرین جمعه ماه شعبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای

(۷۴) سوره بقره

آماده ساختن یاران خود جهت استقبال از ماه مبارک رمضان ، خطبه ای خواند و اهمیت این ماه را چنین گوش زد نمود :

« ای مردم ، ماه خدا با برکت ، آمرزش و رحمت به سوی شما رو می آورد ، این ماه برترین ماه ها است ، روزهای آن برتر از روزهای دیگر و شب های آن بهترین شب ها است ، لحظات و ساعات این ماه بهترین ساعات است ، ماهی است که به میهمانی خدا دعوت شده اید و از کسانی که مورد اکرام خدا هستند ، می باشید .

نفس های شما همچون تسبیح ، خوابتان چون عبادت ، اعمالتان مقبول و دعایتان مستجاب است ، بنابراین با نیت های خالص و دل های پاک از خداوند بخواهید تا شما را در روزه داشتن و تلاوت قرآن ، در این ماه توفیق دهد ، چراکه بدبخت کسی است که از آمرزش الهی در این ماه بزرگ محروم گردد .

با گرسنگی و تشنگی خویش در این ماه به یاد گرسنگی و تشنگی رستاخیز باشید ، بر فقراء و بینویان بخشش کنید ، پیران خویش را گرامی

ص: ۶۲

دارید، به خردسالان رحمت آورید، پیوند خویشاوندی رامحکم سازید، زبان هایتان را از گناه بازدارید، چشمان خویش را از آن چه نگاه کردنش حلال نیست، بپوشانید، گوش های خویش را از آن چه شنیدنش حرام است، فراگیرید، بر یتیمان مردم، شفقت و محبت کنید، تا با یتیمان شما چنین کنند ...» (۱).

جزء دوم (۷۵)

قاعده «لا حَرَجَ»

در آیات فوق اشاره ای به این نکته شده بود که خدا بر شما آسان می گیرد و نمی خواهد به زحمت بیفتید، مسلماً این اشاره در این جا ناظر به مسأله روزه و فواید آن و حکم مسافر و بیمار است، ولی با توجه به کلی بودن، از آن یک قاعده عمومی نسبت به تمام احکام اسلامی استفاده می شود و از مدارک، قاعده معروف «لا حَرَجَ» است.

این قاعده می گوید: اساس قوانین اسلام بر سخت گیری نیست و اگر

(۷۶) سوره بقره

در جایی حکمی تولید مشقت شدید کند، موقتاً برداشته می شود، چنان که فقهاء فرموده اند: «هرگاه وضو گرفتن یا ایستادن به هنگام نماز و مانند این ها، انسان را شدیداً به زحمت بیندازد، مبدل به تیمم و نماز

ص: ۶۳

۱- «وَسَائِلُ الشَّيْخَةِ»، جلد ۷، أَبْوَابُ احْكَامِ «شَهْرُ رَمَضَانَ»، باب ۱۸، حدیث ۲۰.

نشسته می شود» .

در آیه ۷۸ سوره حج نیز می خوانیم : « هُوَ اجْتَبَيْكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ : او شما را برگزید و در دین خود تکلیف مشقت باری برای شما قرار نداد » .

حدیث معروف پیامبر صلی الله علیه و آله : « بُعِثْتُ عَلَى الشَّرِيعَةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ : من مبعوث به آیین سهل و آسانی شده ام » ، نیز اشاره به همین مطلب است .

سلاحی به نام دعا و نیایش

۱۸۶ وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَأِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

جزء دوم (۷۷)

و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم، دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم ، پس آن ها باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تاراه یابند (و به مقصد برسند).

در این آیه کوتاه ، خداوند هفت مرتبه به ذات پاک خود اشاره کرده و هفت بار به بندگان و از این راه نهایت پیوستگی

ص: ۶۴

و قرب و ارتباط و محبت خود را نسبت به آنان مجسم ساخته است .

« عبد الله بن سنان » می گوید : امام صادق فرمود : « زیاد دعا کنید، زیرا دعا کلید بخشش خداوند و وسیله رسیدن به هر حاجت است ، نعمت ها و رحمت هایی نزد پروردگار است که جز با دعا نمی توان به آن رسید و بدان هر در را که بکوبی ، عاقبت گشوده خواهد شد » (۱)

آری او به ما نزدیک است ، چگونه ممکن است از ما دور باشد ،

(۷۸) سوره بقره

در حالی که میان ما و قلب ما ، جای او است (وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ) (۲۴ / انفال) .

فلسفه دعا و نیایش

آن ها که حقیقت و روح دعا و اثرات تربیتی و روانی آن را نشناخته اند ، ایرادهای گوناگونی به مسأله دعا دارند :

گاه می گویند: دعا عامل تخدیر است ، چراکه مردم را به جای فعالیت و کوشش و استفاده از وسایل پیشرفت و پیروزی، به سراغ دعا می فرستد و به آن ها تعلیم می دهد که به جای همه این تلاش ها دعا کنند .

و گاه می گویند : اصولاً آیا دعا کردن ، فضولی در کار خدا نیست ؟

ص: ۶۵

خدا هرچه را مصلحت بداند ، انجام می دهد ، او به ما محبت دارد ، مصالح ما را بهتر از خود ما می داند ، پس چرا ما هر ساعت مطابق دل خواه خود از او چیزی بخواهیم ؟

و زمانی می گویند : از همه این ها گذشته ، آیا دعا منافات با مقام رضا و تسلیم در برابر اراده خداوند ندارد ؟

جزء دوم (۷۹)

آن ها که چنین ایرادهایی را مطرح می کنند ، از آثار روانی ، اجتماعی ، تربیتی و معنوی دعا و نیایش غافلند ، زیرا انسان برای تقویت اراده و برطرف کردن ناراحتی ها ، به تکیه گاهی احتیاج دارد ، دعا چراغ امید را در انسان روشن می سازد .

مردمی که دعا و نیایش را فراموش کنند ، با عکس العمل های نامطلوب روانی و اجتماعی مواجه خواهند شد .

و به تعبیر یکی از روانشناسان معروف : « فقدان نیایش در میان ملّتی برابر با سقوط آن ملت است ، اجتماعی که احتیاج به نیایش را در خود کشته است ، معمولاً از فساد و زوال مصون نخواهد بود .

البته نباید این مطلب را فراموش کرد که تنها صبح ، نیایش کردن و بقیه روز ، همچون یک وحشی به سربردن ، بیهوده است ، باید نیایش را پیوسته انجام داد و در همه حال باتوجه بود تا اثر عمیق خود را در

ص: ۶۶

آنان که برای دعا اثر تخذیری قائلند، معنی دعا را نفهمیده اند، زیرا معنی دعا این نیست که از وسایل و علل طبیعی دست بکشیم و به جای آن دست به دعا برداریم، بلکه مقصود این است بعد از آن که نهایت کوشش خود را در استفاده از همه وسایل موجود به کار بستیم، آن جا که دست ما کوتاه شد و به بن بست رسیدیم، به سراغ دعا برویم و با توجه و تکیه بر خداوند، روح امید و حرکت را در خود زنده کنیم و از کمک های بی دریغ آن مبدأ بزرگ مدد گیریم.

بنابراین دعا مخصوص نارسایی ها و بن بست ها است، نه عاملی به جای عوامل طبیعی.

«نیایش در همین حال که آرامش را پدید آورده است، در فعالیت های مغزی انسان یک نوع شکفتگی و انبساط باطنی و گاهی روح قهرمانی و دلاوری را تحریک می کند، نیایش خصایل خویش را با علامات بسیار مشخص و منحصر به فرد نشان می دهد، صفای نگاه،

جزء دوم (۸۱)

متانت رفتار، انبساط و شادی درونی، چهره پر از یقین، استعداد

ص: ۶۷

هدایت و نیز استقبال از حوادث ، این ها است که از وجود یک گنجینه پنهان در عمق روح ما حکایت می کند و تحت این قدرت ، حتی مردم عقب مانده و کم استعداد نیز می توانند نیروی عقلی و اخلاقی خویش را بهتر به کار بندند و از آن بیشتر بهره گیرند ، اما متأسفانه در دنیای ما کسانی که نیایش را در چهره حقیقتش بشناسند، بسیار کمند « (۱)»

«دعا» یک نوع عبادت و خضوع و بندگی است و انسان به وسیله دعا، توجّه تازه ای به ذات خداوند پیدا می کند و همان طور که همه عبادات اثر تربیتی دارد، دعا هم دارای چنین اثری خواهد بود . و این که می گویند : « دعا فضولی در کار خدا است و خدا هر چه مصلحت باشد ، انجام می دهد » ، توجّه ندارد که مواهب الهی بر حسب استعدادها و لیاقت ها تقسیم می شود، هر قدر استعداد و شایستگی بیشتر باشد، سهم

(۸۲) سوره بقره

بیشتری از آن مواهب نصیب انسان می گردد .

لذا می بینیم امام صادق می فرماید : « إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَنَزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ : در نزد خداوند مقاماتی است که بدون دعا کسی به آن نمی رسد « (۲)»

ص: ۶۸

۱- « نیایش » ، نوشته طیب و روانشناس مشهور ، آلکسیس کارل .

۲- « اصول کافی » ، جلد ۲ ، صفحه ۳۳۸ .

دانشمندی می گوید: « وقتی که ما نیایش می کنیم ، خود را به قوه پایان ناپذیری که تمام کائنات را به هم پیوسته است ، متصل و مربوط می سازیم » (۱).

و نیز می گوید : « امروز جدیدترین علم ، یعنی روان پزشکی ، همان چیزهایی را تعلیم می دهد که پیامبران تعلیم می دادند ، چرا ؟ به علت این که روانپزشکان دریافته اند که دعا و نماز و داشتن یک ایمان محکم به دین ، نگرانی و تشویش و هیجان و ترس را که موجب نیم بیشتری از ناراحتی های ما است ، برطرف می سازد » (۲).

جزء دوم (۸۳)

۲۰۱ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

و بعضی می گویند : « پروردگارا در دنیا به ما (نیکی) عطا کن و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگاه دار » .

۲۰۷ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ

ص: ۶۹

۱- « آیین زندگی » ، صفحه ۱۵۶ .

۲- « آیین زندگی » ، صفحه ۱۵۲ .

بعضی از مردم (باایمان و فداکار، چون علی در "لَيْلَةُ الْمَيْمِيتِ" به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله) جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است .

شأن نزول

(۸۴) سوره بقره

مفسّر معروف اهل تسنن ، « ثَعْلَبِيّ » ، می گوید : هنگامی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت مهاجرت کند، برای ادای دیون خود و تحویل دادن امانت هایی که نزد او بود، علی را به جای خود قرارداد و شب هنگام که می خواست به سوی غار "ثَوْر" برود و مشرکان اطراف خانه او را برای حمله به او محاصره کرده بودند، دستور داد علی در بستر او بخوابد و پارچه سبزرنگی (بُرْد حَضْرَمِي) که مخصوص خود پیغمبر صلی الله علیه و آله بود ، روی خود بکشد ، در این هنگام خداوند به « جبرئیل » و « میکائیل » وحی فرستاد که من بین شما برادری ایجاد کردم و عمر یکی از شما را طولانی تر قرار دادم ، کدام یک از شما حاضر است ایثار به نفس کند و زندگی دیگری را بر خود مقدم دارد ؟ هیچ کدام حاضر نشدند ، به آن ها وحی شد : اکنون علی در بستر پیغمبر صلی الله علیه و آله خوابیده و آماده شده جان خویش را

ص: ۷۰

فدای او سازد، به زمین بروید و حافظ و نگهبان او باشید .

هنگامی که جبرئیل بالای سر و میکائیل پایین پای علی نشسته بودند ، جبرئیل می گفت : « به به ، آفرین بر تو ای علی ، خداوند به واسطه تو بر فرشتگان مباحثات می کند » .

جزء دوم (۸۵)

در این هنگام آیه فوق نازل گردید و به همین دلیل آن شب تاریخی به نام «لَيْلَةُ الْمَبِيتِ» نامیده شده است .

« ابن عباس » می گوید : این آیه هنگامی که پیغمبر صلی الله علیه و آله از مشرکان کناره گرفته بود و با ابوبکر به سوی غار می رفت ، درباره علی که در بستر پیغمبر صلی الله علیه و آله خوابیده بود، نازل شد.

فداکاری بزرگ علی در شب تاریخی هجرت

گرچه آیات فوق همان طور که در شأن نزول آن ذکر شد، مربوط به ماجرای هجرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و فداکاری علی و خوابیدن او در بستر آن حضرت نازل شده ، ولی همچون سایر آیات قرآن ، مفهوم و محتوای کلی و عمومی دارد و در واقع نقطه مقابل چیزی است که در آیات قبل در مورد منافقان وارد شده بود .

می فرماید : « از میان مردم کسانی هستند که جان خود را در برابر خشنودی خدا می فروشند و خداوند نسبت به بندگانش

مهربان

ص: ۷۱

است « (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ) .

(۸۶) سوره بقره

آن گروه مردمی خودخواه و خودپسند و لجوج و معاند بودند که از راه نفاق در بین مردم آبرویی کسب می کردند و در ظاهر خود را مؤمن و خیرخواه نشان می دادند ، اما کردارشان پرده از روی گفتارشان برمی داشت ، چراکه جز فساد در زمین و نابود کردن حرث و نسل ، کار دیگری نداشتند . ولی این گروه تنها با خدا معامله می کنند و هرچه دارند ، حتی جان خود را به او می فروشند و جز رضا و خشنودی او چیزی خریدار نیستند و با فداکاری و ایثار آن ها است که امر دین و دنیا اصلاح و حقّ زنده و پایدار می شود و زندگی انسان گوارا و درخت اسلام بارور می گردد .

جمله « وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ » که درحقیقت نقطه مقابل چیزی است که در آیات قبل درباره منافقان مُفْسِدٍ فِي الْأَرْضِ آمده بود ؛

جزء دوّم (۸۷)

«فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَيْسَ الْمِهَادُ» ممکن است اشاره به این باشد که خداوند در عین این که بخشنده جان به انسان است ، همان را خریداری می کند و بالاترین بها را که همان خشنودی خویش است ، به انسان می پردازد .

ص: ۷۲

قابل توجه این که فروشنده ، "انسان" و خریدار ، "خدا" و متاع ، "جان" و بهای معامله ، "خشنودی ذات پاک او" است ، در حالی که در موارد دیگری بهای این گونه معاملات را بهشت جاویدان و نجات از دوزخ ذکر کرده است ، مثلاً در آیه ۱۱۱ سوره توبه می فرماید : « إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ : خدا از مؤمنان جان ها و مال هایشان را خریداری می کند که بهشت از آن ها باشد ، در راه خدا پیکار می کنند ، می کشند و کشته می شوند . »

این آیه با توجه به شأن نزولی که مشروحا گفته شد ، یکی از بزرگ ترین فضایل علی است که در اکثر منابع اسلامی آمده و به قدری چشم گیر است که معاویه ، به خاطر دشمنی خاصی که با علی داشت ، طبق روایتی چنان از این فضیلت ناراحت بود که « سَائِرَهُ بِنِجْدَبٍ » را با چهارصد هزار درهم تطمیع کرد که بگوید : این آیه درباره « عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ مُلْجَمٍ » ، قاتل علی ، (طبق حدیث مجعولی) نازل شده و آن منافق جنایت پیشه نیز چنین کرد ولی همان طور که انتظار می رفت ، حتی یک نفر هم

این حدیث مجعول را نپذیرفت. (۱)

(۸۸) سوره بقره

اسلام، آیین صلح و صفا است

۲۰۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید، همگی در صلح و آشتی درآیید و از گام های شیطان پیروی نکنید که او دشمن

جزء دوم (۸۹)

آشکار شما است.

«سَلِّم» و «سَلَام» در لغت به معنی صلح و آرامش است و بعضی آن را به معنی اطاعت تفسیر کرده اند و این آیه همه افراد باایمان را به صلح و سلام و تسلیم بودن در برابر فرمان خدا دعوت می کند.

«خُطُوَات» جمع «خُطْوَه» به معنی گام و قدم است، در این جا نیز این حقیقت تکرار شده که انحراف از صلح و عدالت و تسلیم شدن در برابر انگیزه های دشمنی و عداوت و جنگ و خونریزی از مراحل ساده و کوچک شروع می شود و به مراحل حادّ و خطرناک منتهی می گردد و مطابق ضرب المثل معروف عرب، «إِنَّ بَدْوَ الْقِتَالِ اللَّطَامُ» (آغاز

ص: ۷۴

۱- داستان این معامله را «إِبْنِ أَبِي الْخَلْدِيدِ» در «شرح نهج البلاغه»، جلد ۴، صفحه ۷۳ نقل کرده است.

جنگ ، یک سیلی است) ، گاهی یک حرکت کوچک از روی عداوت ، آتش جنگ ویرانگری را برمی انگیزد ، لذا افراد باایمان که مخاطب در این آیه هستند ، باید از همان آغاز بیدار باشند و جرقه های کوچک عداوت و دشمنی را خاموش سازند .

قابل توجه این که این تعبیر ، پنج بار در قرآن مجید آمده و در موارد مختلفی روی آن تکیه شده است .

(۹۰) سوره بقره

از مفهوم این آیه ، چنین استفاده می شود که صلح و آرامش تنها در پرتو ایمان امکان پذیر است و تنها به اتکاء قوانین مادی هرگز جنگ و ناامنی و اضطراب از دنیا برچیده نخواهد شد ، زیرا عالم ماده و علاقه به آن ، همواره سرچشمه کشمکش ها و تصادم ها است و اگر نیروی معنوی ایمان ، آدمی را کنترل نکند ، صلح غیر ممکن است .

بلکه می توان گفت از دعوت عمومی این آیه که همه مؤمنان را بدون استثناء از هر زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و قشر اجتماعی ، به صلح و صفا دعوت می کند ، استفاده می شود که در پرتو ایمان به خدا ، تشکیل حکومت واحد جهانی که صلح در سایه آن همه جا آشکار گردد ، امکان پذیر است .

اصولاً در مقابل عوامل پراکندگی (زبان و نژاد و ...) یک حلقه

ص: ۷۵

محکم اتصال در میان قلوب بشر لازم است و این حلقه اتصال، تنها ایمان به خدا است که مافوق این اختلافات است .

جزء دوم (۹۱)

ایمان به خدا و تسلیم در برابر فرمان او ، نقطه وحدت جامعه انسانیّت و رمز ارتباط اقوام و ملّت ها است و نمونه جالبی از آن را در مراسم حجّ می توان مشاهده کرد که چگونه انسان هایی با رنگ های مختلف از نژادهای متفاوت و دارای زبان و قومیت و منطقه جغرافیایی ناهماهنگ ، همگی برادروار در کنار هم قرار گرفته و در آن مراسم بزرگ روحانی شرکت دارند و در نهایت صلح و صفا به هم می نگرند و اگر آن را با نظامی که بر کشورهای فاقد ایمان به خدا حاکم است که چگونه ناامنی از نظر جان و مال و عرض و ناموس ، حاکم می باشد ، مقایسه کنیم، تفاوت میان جوامع باایمان و بی ایمان از نظر سَلَم و صلح و سلام و آرامش ، روشن می شود .

سپس می افزاید : « از گام های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شما است » (وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ) .

همان گونه که در تفسیر آیه ۱۶۸ همین سوره اشاره شد ، بسیاری از انحرافات و وسوسه های شیطانی به صورت تدریجی انجام

ص: ۷۶

می گیرد و هر مرحله در حقیقت گامی از گام های شیطان است .

(۹۲) سوره بقره

این شأن نزول نیز نشان می دهد که شیطان گام به گام در انسان نفوذ می کند و باید در همان گام های نخستین ، در برابر او ایستاد تا به مراحل خطرناک نرسد .

جمله « إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ » متضمّن استدلال زنده و روشنی است ، می گوید : دشمنی شیطان با شما چیزی مخفی و پوشیده نیست ، او از آغاز آفرینش آدم برای دشمنی با او کمر بست و سوگند یاد کرده است که اگر بتواند ، همه را جز مُخْلِصِينَ که از تیررس او به دورند ، گمراه کند ، با این حال چگونه تسلیم و سوسه های او می شوید ؟

تبدیل نعمت به عذاب

۲۱۱ سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُم مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَ مَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

از بنی اسرائیل بپرس : « چه اندازه نشانه های روشن به

جزء دوّم (۹۳)

آن ها دادیم ؟ (ولی آنان نعمت ها و امکانات مادی و معنوی را که خداوند در اختیارشان گذاشته بود ، در راه غلطی به کار گرفتند) و کسی که نعمت خدا را ، پس از آن که به سراغش آمد ، تبدیل کند (و در مسیر خلاف به کار گیرد ، گرفتار عذاب

ص: ۷۷

شدید الهی خواهد شد) که خداوند شدید العقاب است .

منظور از « تبدیل نعمت » این است که انسان امکانات و منابع مادی و معنوی را که در اختیار دارد ، در مسیرهای انحرافی و گناه به کار گیرد و می دانیم خداوند به بنی اسرائیل انواع نعمت ها را ارزانی داشت ، پیامبران بزرگ ، زمامداران نیرومند ، امکانات مادی فراوان، ولی آن ها نه از آن مرئیان الهی بهره گرفتند و نه از مواهب مادی استفاده صحیح کردند و به این ترتیب مرتکب تبدیل نعمت شدند و نیز به همین دلیل در دنیا سرگردان گشتند و در قیامت عذاب دردناکی در انتظار دارند .

این که می فرماید : « سَلُّ بَنِي إِسْرَائِيلَ » (از بنی اسرائیل بپرس) برای این است که هم از آن ها اعتراف گرفته شود و هم درس عبرتی

(۹۴) سوره بقره

برای مسلمانان و هشدار به کسانی باشد که از نعمت ها و مواهب الهی بهره گیری لازم را نمی کنند .

مسأله تبدیل نعمت و سرنوشت دردناک ناشی از آن منحصر به بنی اسرائیل نیست ، هر قوم و ملتی گرفتار آن شود ، گرفتار عذاب شدید الهی در این جهان و جهان دیگر خواهد شد.

ص: ۷۸

از چه چیز باید انفاق کرد؟

۲۱۵ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

از تو سؤال می کنند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو: « هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و

جزء دوم (۹۵)

درماندگان در راه باشد » و هر کار خیری که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است (لازم نیست تظاهر کنید، او می داند).

در قرآن مجید آیات فراوانی مخصوصاً در سوره بقره در مورد انفاق و بخشش در راه خدا آمده است و برای این کار پاداش ها و فضیلت های بزرگی ذکر شده ، همین امر سبب می شد که درباره جزئیات این کار از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کنند و بدانند از چه چیزهایی و در مورد چه کسانی انفاق کنند ؟

لذا در آیه مورد بحث می فرماید : « از تو سؤال می کنند چه چیز را انفاق کنند » ؟ (يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ) .

سپس می افزاید : « بگو : هر خیر و نیکی (و هر گونه

ص: ۷۹

سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می کنید ، برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و واماندگان در راه باید باشد « (قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ) .

(۹۶) سوره بقره

مسئلاً ذکر این پنج طایفه به عنوان بیان مصداق های روشن است و گرنه منحصر به آن ها نمی باشد ، بنابراین پاسخ آن ها در حقیقت این است که هم اشیا یی که از آن انفاق می کنند ، دایره وسیعی دارد و هم کسانی که به آن ها انفاق می شود .

در مورد اول با ذکر کلمه « خیر » که هر نوع کار و مال و سرمایه مفیدی را شامل می شود ، پاسخ کامل و جامعی به سؤال آن ها داده شده است و حتی امور معنوی همچون علم را نیز در بر می گیرد ، هر چند مصداق مهم آن در مورد انفاق ، اموال است .

و در مورد دوم در عین گسترده بودن مورد انفاق ، اولویت ها نیز بیان شده است . مسئلاً پدر و مادر و سپس نزدیکان نیازمند در این مسأله اولویت دارند و بعد از آن ها یتیمان و سپس نیازمندان و حتی کسانی را که ذاتاً فقیر نیستند ولی بر اثر حادثه ای مثل تمام شدن مخارج در سفر ، نیازمند شده اند ، شامل می شود .

ص: ۸۰

در پایان آیه می فرماید: « و هر کار خیری انجام می دهید ، خدا از

جزء دوّم (۹۷)

آن آگاه است » (وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ) .

لزومی ندارد تظاهر کنید و مردم را از کار خویش آگاه سازید ، چه بهتر که برای اخلاص بیشتر ، انفاق های خود را پنهان سازید زیرا کسی که پاداش می دهد ، از همه چیز باخبر است و کسی که جزا به دست او است ، حساب همه نزد او است .

جمله « مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ » (آن چه از نیکی ها انفاق می کنید) می گوید : انفاق از هر موضوع خوبی می تواند باشد و تمام نیکی ها را شامل می شود ، خواه از اموال باشد یا خدمات ، از موضوعات مادی باشد یا معنوی .

در ضمن تعبیر « خَيْرٍ » آن هم به صورت مطلق ، نشان می دهد که مال و ثروت ذاتا چیز بدی نیست ، بلکه یکی از بهترین وسایل خیر است ، مشروط بر این که به نیکی از آن بهره گیری شود .

و نیز تعبیر به « خَيْرٍ » ممکن است به این نکته هم اشاره داشته باشد که انفاق ها باید از هر گونه ممت و آزار و کارهایی که حیثیت

(۹۸) سوره بقره

اشخاص مورد انفاق را مخدوش می کند ، برکنار باشد ، به طوری که بتوان به عنوان « خیر » مطلق از آن یاد کرد .

ص: ۸۱

۲۲۴ وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تَصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید و برای این که نیکی کنید و تقوا پیشه سازید و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید) و خداوند شنوا و دانا است .

« اَیْمَان » جمع « یَمین » به معنی سوگند است و « عُرْضَه » به معنی در معرض قرار گرفتن چیزی است ، مثلاً جنسی را که به بازار برای فروش می برند و در معرض معامله قرار می دهند ، « عُرْضَه » می نامند ، گاهی به موانع نیز اطلاق می شود ، زیرا در معرض انسان و برسرراه او قرار دارد .

بعضی نیز گفته اند : منظور این است که حتی برای کارهای نیک

جزء دَوّم (۹۹)

اعمّ از کوچک و بزرگ قسم یاد نکنید و نام خدا را کوچک ننمایید و به این ترتیب سوگند یاد کردن جز در مواردی که هدف مهمی در کار باشد، عمل نامطلوب است ، این موضوع در احادیث زیادی نیز به چشم می خورد ، از جمله این که در حدیثی از امام صادق نقل شده که فرمود : « وَ لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صَادِقِينَ وَ لَا كَاذِبِينَ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ

يَقُولُ ؛ وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ: هیچ گاه سوگند به خدا یاد نکنید چه راستگو باشید چه دروغگو ، زیرا خداوند سبحان می فرماید : خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید . (۱)

۲۲۵ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

خداوند شما را به خاطر سوگندهایی که بدون توجه یاد می کنید ، مؤاخذه نخواهد کرد، اما به آن چه دل های شما کسب کرده (و سوگندهایی که از روی اراده و اختیار یاد می کنید،) مؤاخذه می کند و خداوند آمرزنده و بردبار است .

(۱۰۰) سوره بقره

در این آیه خداوند به دو نوع سوگند اشاره کرده است ؛ نوع اول قسم های لغو است که هیچ گونه اثری ندارد و نباید به آن اعتنا کرد ، این نوع قسم ها آن هایی است که مردم بدون توجه تکیه کلام خود قرار می دهند و به آن عادت کرده اند و در هر کاری « لا وَ اللَّهُ » (نه به خدا قسم...) یا « بلی وَ اللَّهُ » (آری به خدا سوگند ...) می گویند ، این نوع قسم ها را قسم لغو می نامند.

ص: ۸۳

۱- « نُورُ الثَّقَلَيْنِ » ، جلد ۱ ، صفحه ۲۱۸ ، حدیث ۸۳۳ .

زیرا لغو در لغت به تمام کارها و سخنانی گفته می شود که دارای هدف مشخصی نیست یا از روی اراده و تصمیم سرنمی زند

بنابراین سوگندهایی که انسان در حال غضب (در صورتی که غضب سبب بیرون رفتن از حال عادی شود) یاد می کند ، جزء قسم های لغو است و طبق آیه فوق خداوند مؤاخذه ای بر این گونه قسم ها نمی کند و نباید به آن ترتیب اثر داد (هرچند انسان باید خود را چنان تربیت کند

جزء دوم (۱۰۱)

که این گونه سوگندها را نیز کنار بگذارد) به هر حال این گونه قسم ها واجب العمل نیست و مخالفت آن کفاره ندارد ، زیرا از روی اراده و تصمیم نیست .

جمله « وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ » می تواند اشاره ای به این معنی بوده باشد .

نوع دوم سوگندهایی است که از روی اراده و تصمیم انجام می گیرد و به تعبیر قرآن قلب انسان آن را کسب می کند، این گونه قسم معتبر است و باید به آن پای بند بود و مخالفت با آن ، هم گناه دارد و هم موجب کفاره می شود ، مگر در مواردی که بعدا اشاره خواهد شد ، این همان است که در آیه ۸۹ سوره مائده از آن تعبیر به « مَا عَقَّدْتُمُ الْاَيْمَانَ » شده است ، یعنی سوگندهایی که از روی اراده محکم کرده اید .

ص: ۸۴

۲۳۸ حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ قَوْمًا لِلَّهِ قَانِتِينَ

(۱۰۲) سوره بقره

درانجام همه نمازها (به خصوص) نماز وسطی (نماز ظهر) کوشا باشید و از روی خضوع و اطاعت برای خدا به پاخیزید.

واژه «قَانِتِينَ» از ماده «قَنُوت» ، به دو معنی آمده است ؛

پیروی و اطاعت کردن

خضوع و خشوع و تواضع، ولی بعیدنیست که درآیه فوق به هر دو معنی باشد، چنان که در حدیثی از امام صادق آمده که در تفسیر جمله « وَ قَوْمًا لِلَّهِ قَانِتِينَ » ، فرمود: « منظور این است که نماز را با خضوع و توجه به خداوند به جا آورید » .

و در حدیث دیگری نیز می فرماید: « یعنی از روی اطاعت به پا خیزید »^(۱)

از آن جا که نماز مؤثرترین رابطه انسان با خدا است و در صورتی که با شرایط صحیح انجام گیرد، دل را لبریز از عشق و محبت خدا

ص: ۸۵

می کند و در پرتو آن ، انسان بهتر می تواند خود را از آلودگی به گناه پاک سازد ، در آیات قرآن تأکید فراوانی روی آن شده ، از جمله در نخستین آیه فوق می فرماید : « در انجام همه نمازها مخصوصا نماز وسطی ، مداومت کنید و در حفظ آن کوشا باشید » (حَافِظُوا عَلَی الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَوةِ الْوُسْطٰی) .

« و با خضوع و خشوع و توجه کامل برای خدا به پا خیزید » (وَ قُومُوا لِلّٰهِ قَانِتِیْنَ) .

مبادا گرما و سرما و گرفتاری های دنیا و پرداختن به مال و همسر و فرزند ، شما را از این امر مهم بازدارد ؟

تأکید روی این نماز به خاطر این بوده که بر اثر گرمی هوای نیمروز تابستان یا گرفتاری های شدید کسب و کار ، نسبت به آن کمتر اهمیت می دادند ، آیه فوق اهمیت نماز وسطی و لزوم محافظت بر آن را مورد تأکید قرار داده است .

(۱۰۴) سوره بقره

جزء دوم (۱۰۵)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

متن تأییدیه حضرت آیه الله مکارم شیرازی ●●● ۶

مقدمه ●●● ۸

امّت وسط ●●● ۱۱

اسرار تغییر قبله ●●● ۱۳

امّت اسلامی، یک امّت معتدل و میانه رو است ●●● ۱۶

همه جا رو به سوی کعبه کنید ●●● ۱۸

معنی « شَطْر » ●●● ۲۱

کعبه، مرکز یک دایره بزرگ ●●● ۲۲

برنامه های چهارگانه رسول الله ●●● ۲۲

ذکر خدا چیست؟ ●●● ۲۶

صبر و انواع آن ●●● ۲۷

جلوه های ذات پاک خدا در پهنه هستی ●●● ۳۱

(۱۰۶)

شأن نزول ●●● ۳۸

گام های شیطان ●●● ۳۹

اصل حلیت ●●● ۳۹

انحرافات تدریجی ●●● ۴۰

چگونگی وسوسه شیطان ●●● ۴۲

فهرست مطالب

موضوع صفحه

طبیّات و خبائث ●●● ۴۵

فلسفه تحریم گوشت های حرام ●●● ۴۹

روزه سرچشمه تقوا ●●● ۵۴

امتیاز ماه مبارک رمضان ●●● ۶۱

قاعده « لا حَرَجَ » ●●● ۶۳

سِلّاحی به نام دعا و نیایش ●●● ۶۴

فلسفه دعا و نیایش ●●● ۶۵

شأن نزول ●●● ۷۰

فداکاری بزرگ علی در شب تاریخی هجرت ●●● ۷۱

اسلام ، آیین صلح و صفا است ●●● ۷۴

تبدیل نعمت به عذاب ●●● ۷۷

از چه چیز باید انفاق کرد ؟ ●●● ۷۹

تا می توانید سوگند نخورید ●●● ۸۲

اهمیت نماز ، مخصوصاً نماز « ظهر » ●●● ۸۵

ص: ۸۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

